



# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

ضمیمه انترناسیونال ۸۹۹ ویژه پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی حزب  
چهارشنبه ۳ دی ۱۳۹۹، ۲۳ دسامبر ۲۰۲۰

### مبارزات مردم ایران

### در جهان بی همناست!

سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی در پلنوم

۵۲ حزب کمونیست کارگری ایران

یازدهم دسامبر ۲۰۲۰

### گزارش هیئت اجرایی حزب به پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی

اصغر کریمی

صفحه ۳

### معرفی قطعنامه جنبش سرنگونی در آستانه انقلاب

حمید تقوایی

صفحه ۴

### معرفی قطعنامه در مورد پیشروی جنبش کارگری

شهلا دانشفر

صفحه ۵

### معرفی قطعنامه در مورد رابطه حزب و جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

صفحه ۶

### معرفی قرار در مورد عضوگیری گسترده در ایران

کیوان جاوید

صفحه ۷

### در دفاع از قرار

### «حمایت از انجمن خانواده های جانباختگان پرواز ۷۵۲»

اصغر کریمی

صفحه ۸

### معرفی قرار بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

حمید تقوایی

صفحه ۹

### پیام ها و فراخوان های پلنوم ۵۲

صفحه ۱۰

### منشور انقلاب و رهایی جامعه

صفحه ۱۰

### نشست فعالین یک جامعه توفانی

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در پلنوم

۵۲ حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۳ دسامبر

صفحه ۱۱

همان ابتدا مردم در مقابل کرونا آستین بالا زدند و با ارگانهای مردم نهاد و مستقل و سازمانهای کمک رسانی و امدادی به مقابله با این ویروس بلند شدند. علیرغم موانعی که رژیم بر سر راه مقابله مردم با این ویروس می گذاشت، بخشی از جامعه که پزشکان و پرستاران و کلاً مردم آزادیخواه بودند، اینها خودشان دست به کار شدند و در برابر این شرایط سخت ایستادند.

ولی مسئله به این محدود نبود. این دوره دوره ای بود که ما شاهد گسترش اعتصابات کارگری در یک سطح بیسابقه بودیم. نه تنها بیسابقه در جمهوری اسلامی بلکه به نظر من بیسابقه در تاریخ معاصر ایران. اعتصاب کوبنده و قهرمانانه کارگران نیشکر هفت تپه، که به آن پایتخت اعتصابات جهان لقب داده اند، ادامه و گسترش پیدا کرد و پیگیرانه جلو رفت. به دنبال آن زنجیره اعتصابات کارکنان صنعت نفت و صنایع وابسته به نفت شروع شد و آن هم در سراسر ایران گسترش پیدا کرد. اینطور نبود که این دو

ادامه در صفحه ۲

به روال همیشه وقتتان را میگیریم و در مورد شرایط سیاسی ایران، موقعیت حزب و کلاً مؤلفه ها و تحولاتی که بخصوص در فاصله دو پلنوم اتفاق افتاده است صحبتی را خدمتتان ارائه میدهم.

نکته اول این است که جامعه ایران جامعه ای است پر تب و تاب و پر حرکت. علی رغم وجود کرونا، ما این حرکت و این هیجان و تب و تاب جامعه را در این دوره هم شاهد بودیم. این حرکتی است که بطور مشخص از سه سال قبل اوج گرفت، در سال ۹۶، و یک نقطه اوج دیگرش هم سال گذشته بود. بعد کرونا به نحوی به کمک رژیم اسلامی آمد و دیگر امکان عملی برای فعالیت و مبارزه و تظاهرات که در آن سطح وسیع در شهرهای ایران جریان داشت وجود نداشت و ممکن نبود. حکومت هم خودش چون ویروسی که مدتهاست به جان جامعه افتاده و همدمت با ویروس بیماری مهلک کرونا، جامعه را هر چه بیشتر تحت فشار قرار داد. زندگی مردم، حفظ جان و ادامه فیزیکی زندگی مردم سخت تر و سخت تر شد. ولی از

## مبارزات مردم ایران در جهان...



پلنوم ۵۲ حزب کمونیست کارگری ایران

مدید تلویزیون

بودند و مابه این توفان توییتری بود اعدام کند بلکه حکم شان هم لغو شد. این در همین اواخر اعلام شد. این اتفاق، به نظر من، یکی از اتفاقات نادر در به چالش کشیدن و مبارزه علیه جمهوری اسلامی بود.

اتفاق دیگری که شاهدش بودیم جنبش دادخواهی بود که یک رکن اش خانواده ها و بستگان قربانیان شلیک به هواپیمای مسافری اوکراین است. از همان زمانی که این فاجعه در سال گذشته شکل گرفت این خانواده ها به میدان آمدند، خودشان را سازمان دادند، انجمنی برای پیگیری این قضیه ساختند و از داخل و از خارج ایران با صدای بلند به دنیا اعلام کردند که این حکومت عامدانه شلیک کرده و عزیزان ما را کشته و باید محاکمه شود. این جنبش گسترده ای است، گفتمان گسترده ای است، خواستی است که قلب همه مردم ایران با آن است. این عزیزانی که در سقوط هواپیما کشته شدند عزیزان کل جامعه ایران هستند و نه فقط خانواده هایشان.

خانواده های کل کشته شدگان و قربانیان این حکومت از دهه شصت تا امروز هم به این حرکت پیوستند و به همین خاطر جنبش دادخواهی، با کیفرخواست قربانیان این حکومت، ابعاد گسترده ای پیدا کرد. قضیه شلیک به هواپیما حلقه اتصالی شد که

ادامه در صفحه ۱۲

دولتها مجبور شدند به این رفراندوم توییتری علیه اعدام عکس العمل نشان دهند و آن را تأیید کنند. سازمانهای جهانی حقوق بشر و آزادیخواه و افراد شریف دنیا خودشان را به این حرکت وصل کردند.

خیابان گرفته شد ولی توفان توییتری انعکاس توفان خیابانی ای بود که در خیزشهای ۹۶ و ۹۸ دیده بودیم و خودش میتواند به توفان خیابانی دیگری منجر شود. تردیدی نداشته باشید که توفان توییتری علیه اعدام تبدیل خواهد شد به یک توفان خیابانی علیه کل حکومت اعدام! این چیزی است که الان همه و از جمله خود جنایتکاران حاکم در افق جامعه میبینند. آنها میدانند که جامعه مترصد فرصت است تا تیشه به ریشه آنها بزند. همان رفراندوم میلیاردری علیه اعدام، که از نظر ابجد موج اعتراضی اینترنتی در جهان بی همتاست، این علامت را به رژیم داد که اگر خیابانها باز شود و اولین فرصت به وجود بیاید، اولین جرقه ای که به این انبار باروت بخورد تمام بساطشان را منفجر خواهد کرد و آنها را از صحنه سیاسی ایران، از صحنه سیاسی منطقه، از صحنه سیاسی جهان جارو خواهد کرد.

به نظر من، این پیامی بود که موج مبارزه علیه اعدام داد. در کوتاه مدت هم تأثیرش این بود که حکومت نه تنها نتوانست آن سه جوانی را که دستگیر شده

بلکه کلاً کارگران زندانی. به این اعتبار میخوام بگویم که جنبش کارگری بر متن شرایط جدیدی که خیزش ۹۸ به وجود آورده بود سراسری تر، گسترده تر، از نظر کمی قوی تر و از نظر کیفی رادیکال تر و جامع تر و تعرضی تر شد.

ولی مسئله فقط به اینجا محدود نبود. ما دیدیم که کرونا خیابان را از مردم گرفت. سرکوب جمهوری اسلامی قبل از شیوع کرونا شروع شده بود ولی به نظر من سرکوب نبود که مردم را خانه نشین کرد. بلکه اساساً بیماری کرونا بود که خیابان را از مردم گرفت. اما این به معنی آن نبود که مردم در خانه مشغول زندگی عادی شان شدند. بلکه اعتراض شروع شد و مدیای اجتماعی که از قبل اهمیت پیدا کرده بود این بار اهمیتش ده چندان شد و به تنها ابزار و مهمترین ابزار، و باید گفت بسیار مؤثر، در پیشبرد اعتراضات اجتماعی تبدیل شد.

ما در رابطه با جنبش علیه اعدام شاهد بودیم که از طریق توفان توییتری و اساساً استفاده از توییتر و اینترنت و غیره عملاً یک رفراندوم چندین میلیونی جهانی علیه اعدام در ایران شکل گرفت. در تاریخچه توییتر اگر این مقام اول را نداشته باشد یکی از مهمترین اتفاقات اینترنتی دنیاست. چند میلیارد نفر از آن بازدید کردند، شاید هر کسی چندین بار، ولی تعداد بازدیدهایش ۶ میلیارد بود.

زنجیره ای از پیمانکاران کوچک و بزرگ بین صاحبان سرمایه، یا اگر کارخانه متعلق به دولت است بین دولت و کارگران، قرار گرفته اند که هر کدام از اینها بخشی از دسترنج کارگران را غارت میکنند و به یغما میبرند، قراردادهای موقت میبندند و هر زمان بخواهند کارگران را اخراج میکنند. خواست خاتمه بخشیدن به قراردادهای موقت و قطع دست پیمانکاران یک خواست پایه ای کارگران صنعت نفت بود.

اینجا جنبه هائی است که نشان میدهد اعتصابات کارگری در این دوره نه تنها از نظر کمی گسترش پیدا کرد و وسیع و سراسری شد بلکه از نظر کیفی هم به عرصه چالش سیاستهای اقتصادی حکومت پا گذاشت و فقط به مطالبات ویژه کارگری محدود نبود. به این معنی، کارگر کل جامعه را نمایندگی کرد و تبدیل به امید توده مردمی شد که علیه فساد و فقر و حتی علیه شکنجه و پرونده سازی امنیتی و بگیر و ببند به خیابان آمده بودند، مانند جنبش برای آزاد کردن زندانیان سیاسی و جنبش خانواده های جانبختگان. کارگر نماینده آنها شد. رهبران کارگری حتی از زندان علیه پرونده های امنیتی صحبت کردند، علیه شکنجه صحبت کردند. این گفتمان از قبل شروع شده بود. میدانید که این گفتمان بعد از خیزش ۹۶ آغاز شد. بخصوص کارگران هفت تپه و رهبران کارگری به عنوان قهرمانان مبارزه علیه شکنجه، علیه زندان، علیه بگیر و ببند، علیه سیستم قضایی، علیه پرونده سازیهای امنیتی به میدان آمدند و این حرکت ادامه پیدا کرد. کما اینکه یک خواست مهم کارگران هفت تپه آزادی رهبران کارگری بود، نه فقط در هفت تپه

رشته اعتصاب فقط برای خواستهای رفاهی یا صنفی کارگران بر پا شده باشد. بلکه مسئله دستمزدهای عقب افتاده، شرایط معیشتی سخت، تأمین معاش، مسئله افزایش دستمزدها، اینها در رأس خواستها بود ولی به هیچ وجه محدود به اینها نبود. ( البته اعتصابات از این فراتر میروند و من تنها به دو رشته اصلی اش میپردازم).

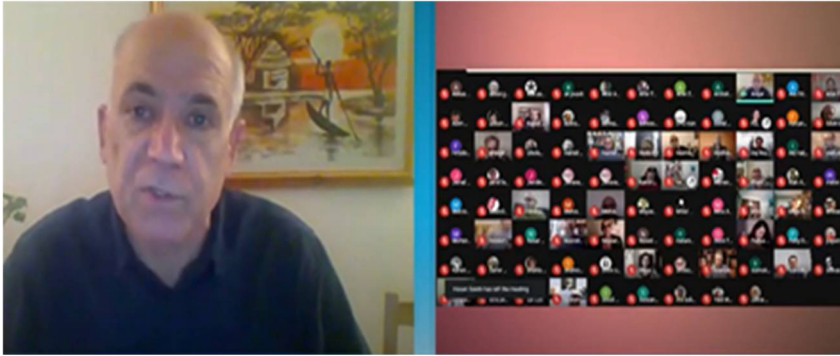
در همین دوره ما شاهد این بودیم که کارگران در واقع به نحوی سیاستهای کلان اقتصادی حکومت را به چالش کشیدند. بحث اینکه خصوصی سازی باید متوقف شود یک خواست مهم کارگران هفت تپه بود چون میدانید که خصوصی سازی در ایران معادل فساد و زدی و چپاول کارگاهها و کارخانه ها و مراکز تولیدی است. دار و دسته های خود حکومتها به قولی "حصولتی"ها میباید به اسم خصوصی سازی شروع به چپاول و زدی میکنند و فشار بسیار طاقت فرسایی به کارگران وارد میکنند. این دلیل لغو و توقف خصوص سازی یک خواست کارگران اعتصابی بود. کارگران اعلام کردند که این فساد و زدی است و ما این مدیر یا صاحب کارخانه ای را که شما تعیین کرده اید نمی پذیریم و اعلام کردند که هر کسی مدیر کارخانه شود ما کارگران در تصمیمگیریها حرف آخر را میزنیم (اداره شورایی را هفت تپه از قبل مطرح کرده بود). این یک چالش بزرگ بود در مقابل یک سیاست اساسی جمهوری اسلامی که همان خصوصی سازی یا حصولتی سازی است.

کارگران صنعت نفت هم فقط بحث شان خواستها و مطالبات رفاهی نبود. یک خواست اساسی شان این بود که دست پیمانکاران از آن مناطق ویژه اقتصادی قطع شود. چون میدانید که



دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود! منصور حکمت

## گزارش هیئت اجرایی حزب به پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی اصغر کریمی



گزارش به این پلنوم را در مقایسه با پلنوم قبل خیلی فشرده تر و خلاصه تر نوشته ام. گزارش ارگانهای حزب و گزارش فعالین حزب در نهادهای مورد حمایت حزب نیز که مشروح فعالیت حزب در زمینه های مختلف است جمعا در ۸۶ صفحه قبلا ارسال شده است.

قبل از هر چیز باید بر یک مشاهده مهم و در عین حال بسیار جالب تاکید کنم و آن فعالیت و تحرک چشمگیر و روزمره تعداد قابل توجهی از کادرهای حزب است. از لیدر حزب تا هیئت اجرایی و ارگانهای حزب و کمیته های حزبی و کادرهای حزب در نهادهای مورد حمایت حزب در خارج کشور و داخل کشور در یک ارکستر هماهنگ، تلاش وسیع، متنوع، همه جانبه و خستگی ناپذیری را در زمینه های مختلف دارد به پیش میبرند. فضایی بشاش و ریلکس بر حزب و ارگان هایش حاکم است. پیشروی حزب حاصل این تلاش ها است. این روحیه از یک طرف ناشی از فضای اعتراضی جامعه، و از طرف دیگر پیشروی عمومی حزب، اتحاد عمیق در صفوف حزب و درک روشن و زمینی از فعالیت به شیوه ای اجتماعی، پیشروی در فونکسیون های مختلف حزب و خوشبینی حاکم بر تشکیلات است که به فعالین روحیه پر کاری و انگیزه پیشروی میدهد و در همین ابتدا جا دارد از تک تک فعالین حزب در داخل و خارج کشور و تک تک مسئولین ارگانها، کمیته ها و نهادهای مورد حمایت حزب که همگی کارنامه موافی در فعالیت خود دارند، صمیمانه قدردانی کرد.

هر کس از کمی فاصله به حزب نگاه کند یکی از پر تحرک ترین و دخالتگرانه ترین دوران فعالیت حزب و حضور فعال در زمینه های مختلف را مشاهده میکند. کیفیت فعالیت حزب در بسیاری عرصه ها بهبود قابل

ملاحظه ای داشته، حزب در اکثر جنبش ها و حرکت های اعتراضی دخالت فعال و تاثیرگذار داشته و نفوذش و دامنه روابطش گسترده تر شده است. فعالیت ارگانها، نهادهای مورد حمایت حزب، کمیته ها و مسئولین عرصه های مختلف، بطور خستگی ناپذیر و مثل یک ارکستر هماهنگ و متشکل کار خود را به پیش برده اند و تک تک آنها دوره موافی را پشت سر گذاشته اند. این یک نقطه قدرت حزب است که باید حفظ کرد و آنرا بیشتر نهادینه کرد و رفقای بیشتری را در ارگانها و فونکسیون های مختلف که همه آنها نیاز به نیروی بیشتر دارند، سازمان داد و فعال کرد. در زمینه سازماندهی تعداد بیشتری از اعضا و کادرهای حزب گامهای خوبی در این دوره برداشته ایم اما بسیار ناکافی. بسیاری از اعضا و کادرها همچنان زیر ظرفیت کار میکنند و مشکل این است که اساسا ما قادر به سازماندهی آنها در ظرف های مناسب نبوده ایم.

تیبیین حزب از سیر تحولات سیاسی در ایران این بود که علیرغم کشتار وسیع در آبان و سرکوب ها و دستگیری ها حکومت در وضعیتی نیست که بتواند مردم را مرعوب کند، راه برود رفت از بحران عمیق خود را ندارد، بحرانش هر روز عمیق تر میشود، در منطقه و در سطح بین المللی موقعیتش ضعیف تر میشود، شکاف های درونی اش تشدید میشود و مردم هم کوتاه نمیایند. تیبیین این بود که جنبش های مختلف اعتراضی هر روز متشکل تر و رادیکال تر میشوند و نقش مهمی در فضای سیاسی جامعه بازی میکنند. هرچند کرونا کمک بزرگی به حکومت بود اما خشم و اعتراض مردم فروکش نکرد. اعصابا قدرت مندی در این فاصله بویژه در نفت و هفت تپه انجام شد، و هر جا مردم توانستند به شکلی دست به اعتراض زدند. رفتارندم های میلیونی علیه

اعدام گوشه ای از فضای پرشور اعتراض مردم و حضور فعال در عرصه سیاست بود که با اعلام احکام اعدام جوانان معترض آبان با هشتک اعدام نکنید در مدیای اجتماعی شکل گرفت و با اعدام نوید افکاری به اوج خود رسید. تشکل های کارگری و دانشجویی و یا جنبش دادخواهی فعالیت سازمان یافته تری در این دوره داشتند و بیانیه های رادیکال و تند صادر کردند. در سطح بین المللی اوضاع به زیان حکومت جلو رفت. ترس مقامات حکومت از اقامت در کشورهای غربی بیشتر شد، نهادی مانند امنستی بیانیه تند و تیز و فعالی علیه جمهوری اسلامی منتشر کرد و فعالیت مستمری علیه جمهوری اسلامی براه انداخت. نهادهای ورزشی و ورزشکاران زیادی با خواست بایکوت جمهوری اسلامی به میدان آمدند. تیبیین های حزب و چرخش جامعه به چپ و اعتقاد به انقلاب به عنوان تنها راه سرنگونی حکومت جای بیشتری در میان فعالین، از گرایشات مختلف، باز کرد و حزب بیش از هر زمان به کانونی برای اعتراض بسیاری از فعالین تبدیل شد.

در گزارش به پلنوم قبل یادآوری کردم که فعالیت های گسترده حزب و ارگان های مستقیمی حزبی در عین حال بر تلاشهای مجموعه بسیار متنوعی از سازمانها، نهادها، بنیادها، ان جی او ها، انجمن ها، شوراهای هیئاری مردمی، سایت ها و صفحات و کانال های تلگرامی و انواع دیگر شبکه ها و تشکل های فعالین و یا تشکل های توده ای که البته غیر حزبی اند اما بدرجات گوناگون با حزب و سیاست های آن پیوند و نزدیکی دارند متکی

است. گزارش هیئت اجرایی نیز کل این مجموعه یعنی حزب به معنی وسیع کلمه را در نظر دارد.

در گزارش به پلنوم قبل همچنین تاکید کردم که رویکرد ما نمایندگی کردن جامعه در مقابل حکومت و نمایندگی کارگر در جامعه است. این جهتگیری در این دوره همچنان راهنمای فعالیت حزب و مجموعه فونکسیون های حزبی بود. رو به جامعه طبقه کارگر را نمایندگی کردیم و رو به جمهوری اسلامی کل جامعه را. این جهتگیری با روشنی بیشتری ادامه یافت. تاکید کرده بودیم که باید یک کمونیسیم سیاسی و اجتماعی را نمایندگی کنیم و این کلید پیشروی و نفوذ حزب در جامعه است. مدتی که به مسئولین و ارگانهای حزب و به فعالین حزب اعتماد بنفس میدهد که در مسائل مختلف دخالت کنند، با دیگران مصاحبه کنند یا کار مشترک انجام بدهند و آنها را به برنامه های خود دعوت کنند دعوت خط و جهتی که بویژه حمید تقوایی در این زمینه نمایندگی کرده است، یک نقطه قوت مهم حزب است که اتحاد بالایی را در صفوف حزب شکل داده است.

کمتر عرصه ای بوده است که حزب نقش ویژه ای در آنها ایفا نکند. در عرصه جنبش کارگری از جمله معلمان و بازنشستگان، در دانشگاهها، دفاع از جنبش رهایی زن، علیه مذهب و دخالت مذهب در زندگی مردم، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه اعدام، جنبش دادخواهی، دفاع از حقوق پناهنده، دفاع از حقوق کودکان، علیه اسلام سیاسی، جنب حمایت از مبارزات کارگری،

فعالیت برای بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی، علیه خلاصی فرهنگی، علیه فشار به رنگین کمانان، علیه شلاق، حمایت از نهادهای پیشرو و مردمی در داخل و خارج کشور و در حد امکان تقویت آنها، از جمله عرصه هایی است که حزب و ارگانها و فعالینش دخالت مستمری در آنها داشته اند و امروز در موقعیت بهتری برای تداوم این فعالیت ها قرار گرفته اند.

### کمیته های رو به داخل کشور حزب:

حضور میدانی حزب در داخل کشور دوره بسیار موفق و پرکاری را پشت سر گذاشت و از طریق کمیته های رو به داخل حزب در بسیاری از فعالیت های میدانی و گفتمان ها نقش مستقیم ایفا کرده ایم. در این دوره دوستانی از میان کارگران و فعالین دانشجویی به عضویت حزب درآمد و تحت خوبی برای دخالت کمیته سازمانده حزب در مراکز کارگری و گامی موثر برای تحکیم موقعیت حزب بوده است. علاوه بر این کمیته سازمانده در عرصه های دفاع از حقوق کودک، جنبش رهایی زن، آزادی زندانیان سیاسی، دانشجویی و علیه اعدام نیز فعال است و این یک فاکتور موثر در جلو رفتن گفتمان های رادیکال حزب در این عرصه ها بوده است. کمیته سازمانده همچنین به کمک تعدادی از فعالین حزب که افراد شناخته شده ای هستند در سایر عرصه های مبارزه مثل جنبش دادخواهی و گفتمان بایکوت رژیم نقش ایفا کرده است. روابط کمیته

ادامه در صفحه ۱۴

## معرفی قطعنامه جنبش سرنگونی در آستانه انقلاب

حمید تقوایی



نام این قطعنامه هست جنبش سرنگونی در آستانه انقلاب. خوب در عنوان نمیشود همه نکات را گفت ولی منظور اینست که ما در مقطع ویژه ای در مورد جنبش سرنگونی صحبت میکنیم. ما در مورد جنبش سرنگونی سند و قطعنامه و مصوبات خیلی داریم، در مورد سیاستهای ما در رابطه با سرنگونی منشور انقلاب و رهانی جامعه را منتشر کرده ایم و غیره. بنابراین این قطعنامه در مورد حزب و جنبش سرنگونی و نقش ما در این جنبش نیست بلکه در مورد ویژگی و خصوصیات است که جنبش سرنگونی بعد از خیزش ۹۶ و بویژه بطور مشخص بعد از خیزش آبان ۹۸ پیدا کرده است. یکی از فقا برای من نوشته بود که در بند اول باید خیزش ۹۶ هم اضافه بشود ولی به نظر من گرچه خیزش ۹۶ هم جایگاه مهمی دارد ولی تمرکز این قطعنامه بر خیزش ۹۸ و پیامدهای آن است. نکاتی این قطعنامه را من در مقابله و مصاحبه ها هم مطرح کرده ام ولی فکر کردم لازمست بعنوان یک سند حزبی هم تصویب بشود.

نکته اصلی اینست که رابطه جمهوری اسلامی با جامعه بعد تحولات آبان تا اسفند ۹۸ عوض شد. یعنی کاملاً بعنوان حکومتی که نه فقط سرکوبگر است، بلکه اعلام میکند که سرکوب میکند. نه تنها میکشد بلکه اعلام میکند که میکشد. وقتی در آبان ماه به سر مردم شلیک میکند اعلام میکند فقط به پا شلیک نکردیم به سر مردم هم شلیک کردیم! وقتی

بحثهایی مطرح نیست. حتی ترور "دانشمند اتمی" شان را به گردن یکدیگر میاندازند. رو به مردم هم اساس گفتمانشان اینست که میزنیم و میکشیم و اعدام میکنیم. آمریکا سردارشان را میکشد، به هواپیمای مسافری شلیک میکنند. مقام هسته ای شان ترور میشود، روح الله زم را اعدام میکنند که مثلاً جواب اسرائیل را بدهند. مردم ایران را میکشند که جواب دشمنان خارجی شان را بدهند. مردم را دشمن خطاب میکنند و میزنند و میکشند و اعدام میکند و مانور ارباب براه میاندازند. خوب این هیتلر در پاریس است. مردم هم بعنوان دشمن به رژیم برخورد میکنند. وقتی در ۹۸ مردم در محلات بلند شدند و به جنگ و گریز با نیروهای حکومت پرداختند حتی مجروحین شان را به بیمارستانها نبردند، بلکه در خانه های مردم محل پرستاری و مداوا کردند. این خیلی گویا است. درست مانند مقابله دو دشمن. این دیگر از جنبش و خیزش اعتراضی حتی نظیر خیزش ۹۶ فراتر می رود. دیگر اینطور نیست که شورشی علیه دولت شکل بگیرد و فرو میخوابد و بعد کابینه تازه ای سر کار می آید. مثلاً رفسنجانی می رود خاتمی می آید یا احمدی نژاد می رود و روحانی می آید و جامعه وارد فاز تازه ای میشود. اینطور نیست. ۹۶ و بویژه ۹۸ این داستان را تمام کرد. انتخابات سال گذشته را در نظر بگیرید. انتخابات جمهوری اسلامی خیلی وقت است که کساد است ولی در انتخابات سال گذشته رژیم حتی سعی نکرد وانمود کند که مردم بپای صندوق رای رفته اند. انتخابات از همیشه بیشتر سوت و کور بود و حکومت حتی سعی نکرد ظاهر سازی بکند. من قبلاً هم گفته ام که استراتژی حکومت بکش و بمان است. این را در همه وجنات حکومت می بینید.

این یک جنبه. جنبه دیگر موقعیت تضعیف شده رژیم در منطقه و در جهان است. مردم بپا خاسته در عراق و لبنان علیه جمهوری اسلامی شعار داده

اند، در سطح جهانی هم همه دارند اعدامها و جنایات حکومت را بعنوان جنایت علیه بشریت محکوم میکنند و برایش خط و نشان میکشند. غیره.

چرا حکومت به این روز افتاده است؟ جواب خیزش خیابان است؛ جنبشی که از ۹۶ شروع شد و در ۹۸ ابعاد گسترده تر و عمیقتری بخود گرفت. مردمی که در این ابعاد علیه حکومت بپا خاسته اند میدانند که در مقابله با کرونا خودشان باید دست بکار بشوند و در مقابل سیل هم همینطور و علیه فقر و بیحقوقی هم همینطور. همه میدانند برای حل همه این مصائب این حکومت باید برود! دیگر نه تنها خط استحاله و اصلاحات جایگاهی در جامعه ندارد بلکه حتی تاکتیکهایی که ممکن بود مردم بکار ببرند که جناحها حکومتی را بجان هم بیاندازند هم دوره اش گذشته است. مردم و حکومت در قامت دو دشمن سازش ناپذیر رو در روی هم قرار گرفته اند.

از نظر خط و تبلیغات استراتژیک جمهوری اسلامی همیشه ادعا میکرد مدافع مستضعفین است. بعد از ۹۸ این خط کنار گذاشته شد. چون گویا در سپاه و بسیج این ولوله افتاده بود که چرا داریم مستضعفین را میکشیم خامنه ای در یک سخنرانی اش گفت منظور از مستضعفین گرسنگان و توده مردم نیستند بلکه ولی الله است. یعنی خودش و بیت رهبری و آقازاده ها. میخوامم بگویم از نظر تبلیغات و از نظر چهره ای و تصویری که از خود بدست میدهد، از نظر برخوردش به جامعه امر حکومت ارباب مردم است. مساله حکومتی ها ننگه داشتن قدرت و پول و ثروت و موقعیت خودشان است. و همین طور هم در برابر جامعه ظاهر میشوند.

از سوی دیگر مردم هم دیگر فکر نمیکند که قاراست مثلاً لگام گام بگام اعدام را کنار بزند. توفان و رفاندوم توتتری به راه میاندازند و در ابعاد چندین میلیونی اعلام میکنند اعدام باید متوقف بشود. و یا در عرصه های مبارزاتی و

اعتراضی دیگر که قبلاً توضیح دادم و اینجا دیگر واردش نمیشوم.

در هر حال رفقا این قطعنامه میخواهد این ویژگی های جنبش سرنگونی را مطرح کند، بگوید جامعه کجا ایستاده است و جنبش سرنگونی کجا قرار دارد. منظور از آستانه انقلاب این شرایط است. آستانه انقلاب نه به این دلیل که ما همیشه مدافع و خواستار انقلاب بوده ایم و یا فکر میکنیم بالاخره جنبش سرنگونی باید به انقلاب تبدیل بشود تا حکومت را بزیر بکشد بلکه بر اساس مشاهده و تبیینی که از خصوصیات جنبشهای جاری در ایران داریم و جهتگیریهایی که حکومت دارد و نحوه ای که مردم به حکومت میکنند. مردم و حکومت بعنوان دو دشمن خونی و سازش ناپذیر که یکدیگر نگاه میکنند. حکومت فکر میکند همانقدر هست که مشت آهنینش را به رخ جامعه بکشد و جامعه هم فکر میکند برای حتی بقای قیزیکی اش باید این رژیم را بزیر بکشد. برای آنکه زنده بماند باید جمهوری اسلامی را سرنگون کند.

البته قطعنامه وارد نتایج عملی مشخص نمیشود بلکه هدفش تبیین مشخص شرایط موجود است و نتیجه گیری هم اساساً اینست که حزب ما هم در ایجاد شرایط انقلابی نقش داشته است و هم سعی میکند با تمام قوا جنبش سرنگونی را تعمیق کند و به پیش ببرد و تبدیل کند به یک انقلاب زیرو روکننده علیه حکومت و کل نظام موجود.

این خیلی خلاصه علت ارائه این قطعنامه به پلنوم است. خیلی ممنون.

**قطعنامه در مورد جنبش سرنگونی در آستانه انقلاب**

**مصوب پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران**

**۲۳ آذر ۱۳۹۹  
۱۳ دسامبر ۲۰۲۰**

۱ - از خیزش آبان ماه ۹۸ مردم و جمهوری اسلامی بعنوان دو قطب و

## معرفی قطعنامه در مورد پیشروی جنبش کارگری

شهلا دانشفر



حزب وظیفه دارد که نقطه عطف های جنبش کارگری و یا هر اتفاق سیاسی ای که در جامعه روی میدهد را مورد توجه قرار دهد و دو قدم جلو تر را نشان دهد. در همین راستا ما شاهد نقطه عطف مهمی در جنبش کارگری بودیم. که نه فقط در خود جنبش کارگری بلکه در سطح جنبش سرنوینی، در سطح کل جامعه نقطه عطف بوده است. ما در این دوره شاهد درخششی در جنبش کارگری بودیم. به این اعتبار این پلنوم باید به این موضوع می پرداخت و آنرا در دستور کار خود قرار میداد. اعتراضات سراسری و زنجیره ای ۲۵ هزار کارگر نفت یک اتفاق مهم بود. این اعتراضات توانست در ساختار پادگانی مراکز نفت ترک ایجاد کند. بعضا گفته میشود که اعتصاب نفت تمام شد. ولی شکاندن ساختار پادگانی و اردوگاهی مراکز نفتی، دست بردن به ساختارهای اقتصادی حکومت در این مراکز از جمله پیش کشیدن خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران، به چالش کشیدن بساط چپاول و رانت خواری حاکم و کل جامعه از سوی کارگران، تأثیراتش فراتر از نفت بود و در این اعتراضات کارگران نفت علیه کار پیمانی، علیه قراردادهای موقت، علیه قوانین برده وار و ویژه اقتصادی و برای افزایش حقوقها بطور واقعی صدای اعتراض کل کارگران در سطح جامعه بودند. برای نمونه دقت کنید که در سراسر ایران ۶۵ "منطقه ویژه اقتصادی" هست و بیش از ۹۰ درصد کارگران در سراسری ایران بصورت قراردادهای موقت و پیمانی کار میکنند.

مبارزات کارگری و کل مردم گذاشته است. این اعتراضات گفتمان اعتصاب سراسری و عملی بودن آن را قدمهای بسیاری در جنبش کارگری و در کل جامعه به جلو آورد. بدنبال این اتفاقات ما شاهد اعتراضات گسترده تر و سراسری تر کارگران شهرداری ها و راه آهن هستیم. همچنین مراکز بزرگ کارگری ای چون ذوب آهن اصفهان، ماشین سازی تبریز، ایران خودرو بیش از پیش به تحرک درآمده اند. به این معنا که این اعتراضات هم توازن قوا را به نفع اعتراضات گسترده تر کارگری بهبود داد، هم گفتمان اعتصاب سراسری را تقویت و مستحکم کرد و هم مضمون سیاسی تری به این اعتراضات کارگری داد. از جمله امروز اعتراضات کارگری دیگر محدود به چهارچوب خواستهای مطالباتی نیست. این اعتراضات از نظر خواستها و مطالباتی که مطرح میکنند، کل سیستم اقتصادی حاکم را دارند به چالش میکشند. و در جایی مثل نیشکر هفت تپه که آنرا پایتخت اعتصابات جهان میخوانند، کارگران پرچم شوراها را بلند کردند. هفت تپه آینه تمام نمایی است از بساط چپاول و دزدی که در سیستم حاکم ایران جریان دارد و در تمام مراکز کارگری جاری است و کارگران در مقابلش ایستاده اند. در آنجا کارگران با مبارزات متحدانه شان مجلس، قوه قضایی، مقامات دزد و رشوه خوار استان، دولت، و باند مافیایی اسدیگی همه و همه را به چالش کشاندند. مجلس را به صحنه اعتراض خودش تبدیل کرد و توانست صدای اعتراض خود و کارگران در ایران را جهانی کند. مجموعه این اتفاقات یک تحول کیفی در جنبش کارگری را دارد به نمایش میگذارد. به این اعتبار اینها همه نکات بسیار مهمی هستند که لازمست ما در این پلنوم در موردشان صحبت کنیم. همین جا از فرصت ارائه این قطعنامه استفاده میکنم و به همه کارگران نفت و بخش های مختلف آن، به کارگران نیشکر هفت تپه و همه کارگران



بیاورند. نتیجه همه این اتفاقات اینست که به لحاظ عملی و تجربی توازن قوا زمینه برای اعتصابات در سطح سراسری فراهم تر است. نتیجه این اتفاقات اینست که شکل عملی اداره شورایی که هفت تپه نسخه آنرا در مقابل چشم جامعه قرار داده است، ملموس تر شده است. گفتمان آن در سطح جامعه و اینکه راه ممکن اتحاد کارگری و پیشبرد قدرتمند مبارزات، شوراهاست دارد به یک داده مهم در سطح جامعه تبدیل میشود. و مطلوبیت و جایگاه شوراها به روشنی مقال چشم جامعه گذاشته شده است. در هفت تپه اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران گفت که برای اینکه جلوی اختلاس ها را از بالا تا پایین بگیریم راهش ایجاد شوراهاست مردمی و شوراهای کارگری است. و خود کارگران هفت تپه این الگو را بدست گرفتند. و بالاخره نتیجه این وضعیت اتحاد بخش های مختلف طبقه کارگر علیه فقر، علیه تبعیض، علیه چپاول و دزدی و فساد حکومتی، شکنجه است. قطعنامه در مورد پیشروی های جنبش کارگری بر روی سه استنتاج مهم یعنی اعتصاب سراسری، اداره شورایی و اتحاد بخش های مختلف طبقه کارگر تأکید میکند و میخواهد در این جهت گفتمانهای خود را در جنبش کارگری به جلو ببرد. از همین رو قطعنامه مهمی است و لازمست به آن رای داده شود.\*

که در جدالی هر روزه با این سیستم وحشی حاکم هستند، درود میگویم. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه که با مبارزات خود در مقابل کل جامعه راه نشان دادند. از جمله در اعتراض سرکوبگرها، در اعتراض علیه چپاولها و زدیها، و پیشبرد مبارزاتی متحدانه با پرچم شورایی به الگویی برای همه کارگران و همه مردم تبدیل شدند. این کارگران از همان روز اول اعتصاب و اعتراضاتشان اعلام کردند که ما شورایی تصمیم میگیریم و ممکن بودن اداره شورایی را جلوی چشم جامعه گذاشتند. در اعتراضاتشان در اینجا و آنجا وارد عمل مستقیم شدند. همین روز گذشته بود که مسئولین و مدیریت یک بخش هفت تپه را منحل اعلام کردند و در مقابل این تعرض کارگران فوراً دست به اعتصاب زدند. چون این اقدام در ادامه طرح کوچک سازی هفت تپه قرار دارد. بخاطر اینکه حکومت اعلام کرده که هفت تپه یک مرکز جنجالی است و همه تلاش حکومت این بوده است که هفت تپه را کوچکتر کند تا بدرجه ای فضا را آرام کند. اما کارگران جانانه در مقابل این توطئه گری ها ایستاده اند. کارگران نیشکر هفت تپه توانستند همکاران این کارگران را آزاد کنند. دستگیر شدگان سال ۹۷ را آزاد کنند. و نه تنها این بلکه پرونده هایشان بسته شد. کارگران نیشکر هفت تپه به این ترتیب توانستند یک سنگر مهمی برای کل جنبش کارگری بدست

## سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

### DOWN WITH THE ISLAMIC REGIME OF IRAN

سمن ( سازمانهای مردم نهاد) نامیده میشود. یا ان جی او ها و همچنین کمیته های کارگری و یا انجمنها و کانونها و غیره. کانون نویسندگان، انجمن جانباختگان شلیک به هواپیما، کمیته دفاع از حقوق کودک، کودکان کار و خیابان، کمیته پیگیری، اتحادیه کارگری، شوراهای کارگری و غیره و غیره. اسم روی خودشان میگذارند و متعین میشوند. جنبشهای متعینی داریم که ریشه هایش را خیلی خلاصه توضیح دادم.

از سوی دیگر احزاب را داریم. احزاب طبقات را نمایندگی میکنند، جنبشهای طبقاتی را نمایندگی میکنند. ما در ادبیات حزبی به دو معنی جنبش را بکار میبریم. جنبشهای اعتراضی که توضیح دادم و جنبشهای اصلی یا جنبشهای طبقاتی (اسامی مختلفی را بکار میبریم، گاهی هم به اسم جنبشهای اجتماعی به آنها رجوع میکنیم). امروز سه جنبش طبقاتی اصلی در جامعه ایران داریم: جنبش کمونیسم کارگری، جنبش ناسیونالیسم پرو دولتهای غربی و جنبش ملی-اسلامی که پایه دوقراردی ها است. هر یک از این جنبشها نهادها، احزاب و چهره های خودشان را دارند. احزاب برآمده از جنبشهای طبقاتی هستند. سه جنبشی که نام بردم ویژه شرایط امروز ایران است. ادامه در صفحه ۱۶

ایران می بینیم جنبشهای عظیمی شکل گرفته و چهره ها و فعالینی را جلو رانده. سازمانها و نهادهایی را ایجاد کرده. و اینها فعالیتهای متنوعی میکنند، بیانه و اطلاعیه میدهند، پینشن و طومار منتشر میکنند، امروز دیگر توفان تویتری به راه میاندازند، اعتصاب و تظاهرات سازمان میدهند، خودشان را در تلگرام سازمان میدهند و مثلا جلو مجلس تجمع میکنند و پلاکاردها و بنرهایشان را بالا میبرند و از حقوقشان دفاع میکنند، خانواده های جانباختگان جمع میکنند و خواستار محاکمه قاتلین عزیزانشان میشوند و غیره. این چهره ها را ما میشناسیم، اقداماتشان را میبینیم، این بخشی از آن تلاش همیشگی جامعه ای است که میخواهد آزاد بشود، توده های مردم که امروز ۹۹ درصدی ها نامیده میشوند. هر دوره یک خصلتی دارد. امروز طبقه حاکمه هر چه کوچکتر شده که اصطلاحا یک درصدیها نامیده میشود و بقیه مردم هیچ اشتراک منافی با آنها ندارند. کارگران قطب مخالف آنها هستند و توده مردم کارکن و توده مردم زحمتکش، مردمی که سهمی و منفعتی در استثمار و سودآوری ندارند نیز در جنبه کارگران هستند. و این چهره ها و فعالیتهای و اقدامات و کمیته ها و نهادها از اینجا نشأت میگیرد. امروز در ایران بسیاری از این نهادها

خوشبختی در دوره های مختلف تعاریف متفاوتی داشته است ولی یک چیز مسلم است: در تمام طول تاریخ در کشمکش طبقاتی که توصیح دادم توده مردمی هستند که برای یک زندگی بهتر، برای آزادی بیشتر، برای عدالت، برای رفاه، برای یک جامعه انسانی میجنگند. برنامه اعلام میکند کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به این جا تعلق دارد.

این بحث ممکن است یک بحث پایه ای و انتزاعی به نظر برسد ولی خیلی سر راست متد ما را روشن میکند. این را بگذارید کنار این گفته مارکس که "رادیکال یعنی دست به ریشه بردن و برای انسان ریشه خود انسان است". برنامه یک دنیای بهتر هم در واقع همین را میگوید. انسانها برای اینکه زندگی انسانی داشته باشند - برنامه اصطلاح جامعه انسانی را بکار میبرد. در تمام طول تاریخ جنگیده اند. از اسپارتاکوس تا امروز. تا اعتصاب کارگران هفت تبه که به حمایت از آن پلنوم پیام داد. مردم مبارزه میکنند برای اینکه نمی پذیرند وضعیت موجود را. این نابرابری ها، فقر، تبعیضات، بی حقوقیها را نمی پذیرند. و این جنبش تعیین پیدا میکند. اسپارتاکوس یک چهره است. انقلاب کبیر فرانسه هم ده ها و صدها چهره دارد. امروز در ایران ده ها و صدها چهره مبارزاتی داریم. در جنبش کارگری و در جنبشهای مختلف و در اعتراضات. چهره هایی که برآمده از این جنگ طبقاتی هستند. برآمده از این خواست عمیق توده های عظیم مردم هستند با امید به آینده و برای رسیدن به یک جامعه انسانی تر یک جامعه برابر تر و یک جامعه آزادتر.

وقتی با این دید عمومی برویم سراغ جامعه امروز

## معرفی قطعنامه در مورد رابطه حزب و جنبش سرنگونی

حمید تقوایی



وقوف بر اینکه ما داریم چه میکنیم خصلت و ماهیت آن کار را تعیین میکند. در حالی که میدانیم این کاملا متافیزیکی است. قضیه برعکس است. واقعیت اینست که خود مبارزه طبقاتی است که آگاهی را ایجاد میکند. اینطور نیست که بعد از اعلام نظر مارکس در این مورد اینکه مبارزه طبقاتی موتور تاریخ است مبارزه طبقاتی شکل گرفته است. در تمام طول تاریخ مبارزه طبقاتی جریان داشته و در تمام طول تاریخ هم کسی واقف نبوده است که مشغول مبارزه طبقاتی است. اوها یا توهمات و یا ایدئولوژی های مختلفی مطرح بوده. مثلا یکی فکر میکرد در راه خدا می جنگد، یکی در راه مین میجنگد - و در قرنهای اخیر - برای ملت میجنگد و غیره. ولی وقتی در این تحولات عمیق تر بشوید متوجه میشوید که در پشت این تصورات جنگی در بین طبقات جریان دارد بر سر سلطه بیشتر، ثروت بیشتر، قدرت بیشتر در جامعه. و در این جنگ همیشه توده مردم و یا توده استثمار شونده در هر دوره مثل برده و دهقان و امروز کارگر و توده مردم کارکن علی العموم، هم درگیرند. و وزن و ثقل اینهاست که بالاخره بااصطلاح بالائی ها را هم به جان هم میاندازد و به تقلا وامیدارد. و این مردم انطور که برنامه یک دنیای بهتر میگوید همیشه با امید به آزادی و برابری و رفاه مبارزه کرده اند. برنامه اعلام میکند آزادی و

خوشبختانه ما فرصت کردیم سمیناری در مورد مضمون این قطعنامه داشته باشیم که گرچه سمینار رسماً جزو پلنوم نیست ولی شرکت کنندگان در پلنوم در سمینار هم حضور داشتند و لذا من وارد همه نکات نمیشوم. البته بعدا هم فرصت هست که روی بندها صحبت کنیم. اینجا باید به چند نکته پایه ای اشاره کنم.

به نظر من این قطعنامه مهم است چون بر مبنای نگرش معینی به مبارزه، و نه فقط جنبش سرنگونی بلکه مبارزه طبقاتی در همه عرصه ها، نوشته شده است. منظور از مبارزه طبقاتی هم فقط مبارزه علیه سرمایه دارها و اعتصابات و اعتراضات کارگری نیست. مبارزه طبقاتی امری است که در تمام کشمکشهای سیاسی خود را نشان میدهد. از کشمکش بین جناحهای حکومتی بگیرد تا فعالیتهای فرهنگی و هنری و حتی اخلاقیات جامعه، جهانیتهای ما و غیره. در کلیه عرصه های زندگی اجتماعی شما کشمکش را می بینید که ما معتقدیم این اساس و پایه همه تحولات و بقول معروف موتور تاریخ است. این مبارزه بی وقفه هست که به احزاب و دولتها و جنگها و صلحها و غیره و غیره شکل میدهد.

چپهای غیر کمونیسم کارگری معمولاً دوز بالائی از آگاهی را وارد مبارزه طبقاتی میکنند. گویا



WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wcpiiran.org



## معرفی قرار درمورد عضوگیری گسترده در ایران

کیوان جاوید



رفقا این قرار را من و شهلا دانشفر همراه با سیمای بهاری و فریده آرمان به پلنوم ارائه دادیم و من معرفی اش می‌کنم. من از یک مشاهده عمومی شروع می‌کنم. جامعه ایران، انقلابی ترین جامعه قرن هست. وقتی به جامعه نگاه می‌کنید، وقتی به آن خواسته‌های عمیق مردم برای رهایی نگاه می‌کنید، وقتی نگاه می‌کنید که مردم مشت به آسمان می‌کوبند، وقتی نگاه می‌کنید که زنان می‌خواهند کل این مناسبات برده داری جنسیتی را از بین ببرند، وقتی به جوانان نگاه می‌کنید که چگونه علیه مذهب قیام کرده و کاملاً یک رنسانس ضد مذهبی را دامن می‌زنند، وقتی در دی ماه ۹۸ می‌بینید مراکز قدرت بورژوازی، از مراکز امام جمعه‌ها و مساجد و بانکها و مراکز نیروهای انتظامی زیر ضرب می‌برند و به آتش می‌کشند و از بین می‌برند، مشاهده می‌کنیم این جامعه رهایی می‌خواهد و این فضای جامعه است. از یک طرف دیگر، حزب کمونیست کارگری است با تمام خواست‌های

انقلابی. و وقتی خواست‌های انقلابی حزب کمونیست کارگری تحقق پیدا بکند یک انقلاب کبیر فرانسه و یک انقلاب بلشویکی دیگر در دنیا رخ خواهد داد. بخش وسیعی از آدم‌ها در ایران مثل ما فکر می‌کنند و مثل ما حرف می‌زنند. مثل ما علیه مذهب اند. مثالی بزنم. جوانی چند روز پیش با من تماس گرفت و من این جوان را به رفقای دست اندرکار وصل کردم. سنوالتش این بود که من چطور می‌توانم با «مجموعه شما» فعالیت کنم. سؤال کردم چرا می‌خواهی با ما فعالیت کنی، جوابش این بود به این دلیل که شما با اسلام سازش ندارید و من این سازش بیابید را در تلویزیون شما دیدم. این تنها نمونه نیست و من دهها نمونه دارم. در روابطی که خودم دارم این تعلق به حزب را می‌بینم. مثلاً کلیبی که در مدیای اجتماعی می‌گذارم بیندگانی در تشویق می‌گویند زنده باد حزب ما. اما همین افراد عضو حزب ما نیستند ما نرفتیم سراغشان و بگوییم ببینید حزب

کمونیست کارگری عضو می‌گیرد و عضویت در حزب هم ساده است. می‌خواهی جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم، آزادیخواه هستید، برابری طلب هستید، طرفدار حقوق زن هستید، طرفدار حقوق کارگر هستید، بیابید ثبت نام بکنید و عضو حزب بشوید. به همین سادگی. بنظر من با توجه به این شرایط و با توجه به نفوذ و امکانات حزب هر کدام از ما اعضا و کادرهای حزب در خارج و داخل ایران همگام با تشکل‌ها و شخصیت‌هایی حزبی که با ما هستند، می‌توانیم با هر کس که ارتباط داریم و می‌بینیم که در این گرایش هستند بگوییم که به حزب ما بپیوندند. تک تک ما همه ما که اینجا نشستیم و رفقای که در این نشست نیستند اگر بخواهیم با هم این کارزار عضویت گسترده را شروع بکنیم در

مدت کوتاهی می‌توانیم صدها عضو بگیریم. نه اینکه وقتی عضو حزب شدند باید فوراً بروند در خیابان شعار بدهند یا شعار نویسی بکنند. همان کارهایی که تا حالا می‌کردند می‌توانند ادامه بدهند. یکی از دوستان که با من در تماس است می‌گوید برای بی‌حجابی در ماشینم تا حالا سه بار جریمه شدم و ماشینم را هم توقیف کردند. می‌گفت من کوتاه نمی‌آیم چون این حرکت را مبارزه با جمهوری اسلامی میدانم. سؤال این است این زن نباید عضو ما باشد؟ اگر این فرد عضو ما بشود خودش اقدام می‌کند و تعداد دیگری را به عضویت در حزب ما تشویق می‌کند. اگر صد تا دوست دارد می‌تواند ۳۰ نفر را دور ما جمع کند. فکرتش را بکنید در این شرایطی که ما هستیم و توازن قوا هم اجازه میدهد و اینطور نیست که از نظر امنیتی طوری می‌شود که فوراً چنین افرادی را دستگیر و زندانی می‌کنند. همان افرادی که در اینستاگرام ما می‌نویسند زنده باد حزب- زنده باد حزب کمونیست کارگری، خودشان را متعلق به حزب می‌دانند و برای گسترش حزب تلاش می‌کنند. بنظر من حزب باید این کارزار گسترده عضوگیری در داخل ایران را شروع کند. کادرهای حزب در داخل و خارج باید به این کارزار بپیوندند. منتشکرم.

قرار درمورد عضوگیری در ایران  
مصوب پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۳ آذر ۱۳۹۹  
۱۳ دسامبر ۲۰۲۰

فضای پر تلاطم جامعه، رشد چپگرایی و رادیکالیسم در عرصه‌های مختلف مبارزات مردمی و توازن قوای موجود از یکطرف و موقعیت ویژه حزب و گسترش نفوذ سیاسی آن و جلب اعتماد وسیعتر به حزب در جامعه و در میان فعالین، شرایط را برای رشد وسیع حزب فراهم کرده است. بر متن این شرایط حزب کارزار گسترده‌ای برای جذب هر چه بیشتر افراد و فعالین و عضوگیری و گسترش سازمان حزب در دستور کار خود قرار میدهد. حزب از همه اعضا و کادرهای خود در خارج و در ایران می‌خواهد فعالانه در ارتباطات اجتماعی و مبارزاتی در عرصه‌های فعالیت خود، در جمعهای بیننده کانال جدید، و در رابطه با کلیه دوستان و آشنایان و همکاران خود افراد را به عضویت در حزب تشویق کند. حزب همه کسانی را که علیه هر نوع تبعیض و بی‌حقوقی و علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکنند به عضویت در حزب دعوت میکند.\*

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

واتس‌آپ: +۹۸ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi\_hkki

پیامکیر تلگرام: @wpi\_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiran](https://www.facebook.com/wpiran)





## در دفاع از قرار «حمایت از انجمن خانواده های جانباختگان پرواز ۷۵۲»

اصغر کریمی



«انها» اول محاکمه «بود». گفتند با جمهوری اسلامی مذاکره نمیکنیم به اینها اعتماد نداریم و میخوایم با نمایندگان دولت اوکراین مذاکره کنیم. با آنها هم به این خاطر میخواستند مذاکره کنند که از آنها بخواهند که سازش نکنند و کوتاه نیایند.\*

### قرار در حمایت از انجمن خانواده های قربانیان پرواز پی اس ۷۵۲

"انجمن خانواده های قربانیان پرواز پی اس ۷۵۲" که در فروردین ۱۳۹۹ تشکیل شد، فعالیت های

خطراتشان را دارد منتشر میکند، خانواده ها را دور هم جمع کرده و کلا نهادی درست کرده که در چهارچوب جنبش دادخواهی و سرنگونی طلبی است و به نهاد معتبر و محبوب و شناخته شده ای تبدیل شده است. در داخل کشور هم خانواده ها اقدامات خوبی انجام دادند. محل سقوط هواپیما را یکی دو بار گلباران کردند و همزمان با مذاکره دولت اوکراین با جمهوری اسلامی در تهران، در مقابل یکی از دفاتر وزارت امور خارجه تجمع کردند و شعارهای تند دادند. یک شعار مهم

تشکیل انجمن خانواده های جانباختگان پرواز ۷۵۲ اقدام بسیار مثبتی بود و تاکنون هم اقدامات خیلی خوبی انجام داده است. هم از زاویه حقوقی تلاش میکند عاملان و پنهانکاران و مقصران این جنایت یعنی سپاه پاسداران و حکومت را که باعث مرگ ۱۷۶ انسان بیگناه شدند به محاکمه بکشاند و هم از زاویه سیاسی اقدامات وسیعی را در دستور گذاشته است. سایت و کانال و صفحات مختلفی به این منظور سازمان داده که نگذارد یاد این عزیزان جانباخته فراموش شود،

فرامیخواند. حزب همچنین فعالیت های شجاعانه خانواده های جانباختگان این فاجعه در ایران را صمیمانه ارج نهاده و همه مردم معترض و تشکل های مردمی را به تقویت این فعالیت ها، تجمعات، مراسم و خواست دادگاهی کردن سران سپاه و حکومت اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت فرامیخواند.\*

کمیته مرکزی حزب  
کمونیسیت کارگری ایران  
۲۳ آذر ۱۳۹۹  
۱۳ دسامبر

همه جانبه و وسیعی را در راستای زنده نگهداشتن یاد جانباختگان این فاجعه، محکومیت بین المللی جمهوری اسلامی و کشاندن آمران و عاملان و پنهان کنندگان و مقصران این جنایت عمدانه و بیرحمانه به دادگاه لاهه سازمان داده است.

حزب کمونیست کارگری از فعالیت های این انجمن و اهداف و خواست های آن قاطعانه حمایت میکند و ضمن گرامیداشت یاد جانباختگان این فاجعه، مردم آزاده و فعالین سیاسی را به حمایت از فعالیت ها و خواست های این انجمن

در داخل و خارج کشور نقش مهمی در ایجاد شرایط انقلابی حاضر داشته است، با تمام قوا در جهت تقویت و تعمیق، و شفافیت و انسجام و گسترش هر چه بیشتر جنبش سرنگونی و جنبشهای حق طلبانه و اعتراضی جاری در جامعه و ارتقای این جنبشها به سطح یک انقلاب زیرو و روکننده برای رسیدن به یک جامعه آزاد، برابر، انسانی و مرفه خواهد کوشید. ما به همه فعالین و نهادهای مبارزاتی و سازمان های مردم نهاد که فعالانه در عرصه های مختلف به مقابله با جمهوری اسلامی برخاسته اند درود میفرستیم و آنانرا به صفوف حزب و پیشبرد راهکارها و کارزارهای حزبی فرا میخوانیم.\*

صنایع نفتی، جنبش گسترده دادخواهی، جنبش علیه اعدام، جنبش زنان علیه آپارتاید جنسیتی و خشونت و تجاوز جنسی، و اشاعه گفتمان بایکوت و طرد جهانی جمهوری اسلامی در فضای سیاسی در داخل و خارج ایران از بارز ترین نموده های جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم در شرایط حاضر است. شعار "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" و "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" نماینده و بیانگر روح و مضمون اعتراضات و مبارزات مردم در دوره اخیر است.

شرایط فوق بیانگر آنست که جامعه در آستانه یک انفجار و انقلاب قدرتمند علیه جمهوری اسلامی و کل نظام موجود قرار گرفته است. حزب بعنوان نیروی فعالی که با مبارزاتش در چند دهه اخیر

کشاکش و دعوای جنایاتی در میان نیروهای امنیتی حکومت بالا گرفته است. این وضعیت تبلیغات و رجزخوانیهای حکومت برای بدست دادن تصویری مقتدر و سرکوبگر از خود را نقش بر آب میکند.

۶- جهت گیری و سیاست نیروهای اپوزیسیون راست، نظیر استحاله و رژیم چپ و فراندوم و اصلاح قانون اساسی و گذار مسالمت آمیز و غیره، کاملاً در جامعه حاشیه ای و بی اعتبار شده و سیاست و هدف حزب مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی و در هم کوبیدن نظام موجود بقدرت انقلاب مردم گسترش و مقبولیت یافته است.

۷- مبارزات و اعتراضات ماه های اخیر از جمله اعتصاب با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصاب کارگران

از صفحه ۴

### معرفی قطعنامه جنبش سرنگونی...

۱- دو دشمن آشتی ناپذیر مستقیماً و آشکارا رو در روی هم قرار گرفته اند.

۲- جمهوری اسلامی حتی در حرف هم ادعای حمایت از مردم و ملت و یا امت و مستضعفین را کنار گذاشته است و تلاش میکند در مقابل یک جامعه معترض تصویر یک حکومت قدر قدرت با مشت آهنین را از خود بدست بدهد.

۳- رژیم به مردم به شکل دشمنانی که مترصد بزیور کشیدن او هستند مینگرد و مردم حکومت را نه دولت و یا ارگان اداره امور بلکه دشمن خود میدانند. از هر دوسو جنگ بر سر بقا است. حکومت برای بقای خود و دفاع از ثروت و قدرت خود میجنگد

۴- مردم برای بقای فیزیکی خود و برای برخورداری از یک زندگی درخور شان انسان.

۵- مضمون و اساس سیاستهای حکومت امنیتی کردن فضای سیاسی و ارباب جامعه برای حفظ خود در قدرت است و اساس و مضمون مبارزات مردم، حتی آنجا که با خواستهای مشخصی بمیدان می آیند، سرنگون کردن جمهوری اسلامی است.

۶- جمهوری اسلامی در جامعه و در برابر مردم معترض و بیخاسته، و همچنین از نظر منطقه ای و بین المللی در ضعیف ترین و مستاصل ترین موقعیت خود قرار گرفته است. صفوف حکومت بیش از پیش در هم ریخته و

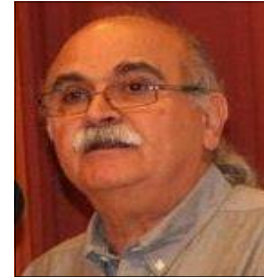


اساس سوسیالیسم انسان است،  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت



## معرفی قرار بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

حمید تقوایی



این قرار در مورد بایکوت جمهوری اسلامی است. در دفاع از این قرار شاید لازم نباشد زیاد صحبت کنم چون مبارزه برای بایکوت حکومت مدتهاست که سیاست حزب بوده است و امروز می بینیم که حرکت گسترده ای هم داخل کشور و هم خارج کشور شروع شده است با این جهتگیری. هنوز البته هیچ دولتی و هیچ سازمانی جمهوری اسلامی را بایکوت نکرده است ولی صحبت و گفتن محاکمه سران حکومت به جرم اعدام معترضین ۹۸ و ۹۶ و کلا اعدامها در ایران و حتی التیماتوم به رژیم بالا گرفته است. سازمان ملل چند روز قبل از پلنوم به جمهوری اسلامی التیماتوم داده است که باید موازین حقوق بشر را رعایت کند و یا مساله اعدامها و سرکوبگریها در ایران را بعنوان جنایت علیه بشریت پیگیری میکنند. خوب این جو و تحول تازه ای است. من در سخنرانی افتتاحیه هم به این اشاره کردم که موضوع بایکوت امروز یک گفتن و یک جنبش رو به رشد است. از داخل ایران برخی از فعالین و نهادها اطلاعیه میدهند و در خارج ایران فعالین میخواهند پرونده جمهوری اسلامی را به دادگاه لاهه

ببرند و غیره. به این معنی مساله باصطلاح به روز شده است، اکتوتل شده است، به جلوی صحنه آمده و بنابراین گرچه حزب همیشه این سیاست را داشته است امروز باید اعلام کند این سیاست فعالتر در دستور ما قرار میگیرد و فراخوانی به فعالین و احزاب بدهد که به این سمت بیایند و برای بایکوت جمهوری اسلامی مبارزه کنید. در ضمن شرایطی که باعث مطرح شدن بیش از پیش این موضوع شده مثل پیشرویهایی جنبش سرنگونی در ایران و اتفاقاتی که افتاده است را بر بشمرد و بگویم بر متن این شرایط هست که گفتن مطرح است و ما همه را فرامیخوانیم که به جنبش بایکوت جمهوری اسلامی بپیوندیم. به این معنا نتیجه گیریهای این قرار از بندهای ۱ تا ۴ مفصل تر است چون میخواهیم بر آنها متمرکز بشویم. همانطور که گفتیم هیچکس هنوز پای بایکوت نیامده ولی قدمهایی در این جهت برداشته شده که ما میخواهیم این حرکت را تقویت کنیم و اعلام کنیم این حرکت باید به بایکوت جمهوری اسلامی منجر بشود و این امر سرنگونی جمهوری اسلامی را



بمراستب تسهیل میکند و غیره. فکر میکنم همین حد دفاع از این قرار کافی باشد.

**قرار در مورد بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی مصوب پلنوم ۵۲ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران**  
۲۳ آذر ۱۳۹۹، ۱۳  
دسامبر ۲۰۲۰

۱- خیزش آبان ماه ۹۸ و پیامدهای آن جمهوری اسلامی را بیش از پیش در جهان رسوا و بی ابرو کرده است.  
۲- نهادهای دفاع از حقوق بشر مانند عفو بین الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، چهره ها و نهادهای بین المللی ورزشی، اتحادیه های کارگری، و بسیاری از دولتهای اروپایی جمهوری

اسلامی را بخاطر سرکوبگریها و اعدامها و بویژه بازداشت و شکنجه و اعدام معترضین محکوم کرده اند

۳- به همت عده ای از فعالین و معترضین در خارج کشور پرونده جنایات جمهوری اسلامی به دادگاه لاهه برده شده است.  
۴- بخشی از فعالین و نهادهای مبارزاتی در ایران در اعتراض به اعدام و شلاق و سیاستهای سرکوبگرانه حکومت با انتشار اطلاعیه ها و طومارهایی خواستار برخورد قاطع تر جامعه بین المللی به جمهوری اسلامی و بایکوت سیاسی آن شده اند.

این واقعیات بیانگر آنست که فضای بین المللی و داخلی ایران برای بایکوت و انزوی جمهوری اسلامی بیش از همیشه فراهم است. کمیته مرکزی حزب یک بار دیگر بر سیاست همیشگی حزب مبنی بر بایکوت جهانی و آفریقای جنوبییزه کردن جمهوری اسلامی تاکید میکند و اعلام میکند مبارزه برای انزوی جهانی جمهوری اسلامی یکی از عرصه های مهم نبرد برای سرنگونی آن بقدرت اعتراضات و مبارزات انقلابی مردم ایران است.

حزب تمام تلاش خود را به کار میبرد تا حکومت جنایتکار حاکم بر ایران از

نظر سیاسی و ورزشی و فرهنگی و تسلیحاتی از جانب دولتها و نهادهای بین المللی بایکوت شود. روابط دیپلماتیک دولتها با جمهوری اسلامی باید قطع شود و سفارتخانه هایش بسته شود، از سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی باید اخراج گردد و به مسابقات ورزشی و جشنواره ها و فستیوال ها و نمایشگاههای جهانی راه داده نشود.

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنهاست. رژیم حاکم بر ایران نه تنها نباید از جانب دولتها برسمیت شناخته شود، بلکه هر دولت و حزب و نهادی که ادعای دفاع از حقوق بشر دارد باید خواهان پیگیری و محاکمه سران و مقامات این حکومت به جرم جنایت علیه بشریت باشد. حزب همه احزاب و سازمانهای اپوزیسیون و همچنین همه فعالین و نهادهای مبارزاتی و سازمانهای مردم نهاد در ایران را فرامیخواند تا به جنبش بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی بپیوندند و از دولتها و سازمانهای بین المللی بخواهند که جمهوری اسلامی را طرد و بایکوت کنند.\*

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**  
فرکانس تلویزیون کانال جدید  
ماهواره یاه ست  
فرکانس : 11766  
پولاریزاسیون : عمودی  
سیمبل ریت : 27500  
اف ای سی : 7/8

## پیام ها و فراخوان های پلنوم ۵۲

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

**فراخوان به حمایت همه جانبه از کارگران نیشکر هفت تپه**

پنج هزار کارگر نیشکر هفت تپه در دور اخیر مبارزات و اعتصاب تاریخی خود بیش از هفت ماه است متحدانه در برابر قدرتمندترین جبهه سرمایه داران از جمله وزیر کار، نمایندگان مجلس اسلامی، مقامات دولت، امام جمعه، استاندار، سرمایه دار خصوصی، شورای اسلامی و دیگر یادی و مزدورانشان ایستاده اند و از خواسته های پایه ای و بحق خود کوتاه نیامده اند. اعتصابات شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه فصل نوینی را در تقابل کارگران با طبقه سرمایه دار گشوده است و بر کل فضای جامعه و گفتمانهای سیاسی جامعه تاثیرات پیشرو و آموزنده ای بجا گذارده است. حزب کمونیست کارگری در تمام لحظات این مبارزه فعالانه همگام و همراه کارگران بوده و صدای رسای کارگران حق طلب بوده است.

کمیته مرکزی حزب به همه کارگران این مجتمع صمیمانه درود میفرستد و پشتیبانی قاطع خود را از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و خواسته های آنها اعلام میدارد. ما همه کارگران و مردم و تشکلهای پیشرو و کارگری را به حمایت فعال از

خواستها و اعتراضات و اعتصاب نیشکر هفت تپه این سنگر مستحکم کارگری فرامیخوانیم.

**زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه!**

کمیته مرکزی حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۲۳ آذر ۱۳۹۹، ۱۳  
دسامبر ۲۰۲۰  
\*\*\*

**پیام به بازنشستگان**  
بازنشستگان عزیز

همزمان با نشست کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، شاهد تجمع بزرگ و سراسری شما در تهران و شهرهای مختلف کشور بودیم که در اعتراض به فقر و گرانی و بساط دزدسالاری حاکم و برای معیشت و منزلت و زندگی خود، در تهران و شهرهای مختلف کشور به میدان آمدید.

شما بازنشستگان در تمام طول سالیان گذشته یکی از گردان های مهم مبارزه علیه حکومت مفتخوران اسلامی و نظام استعمارگرانه حاکم بوده اید که عملاً پرچم خواست های همه مردم زحمتکش را به اهتزاز درآورده اید و نقش مهمی در فضای سیاسی اعتراضی کشور ایفا میکنید.

کمیته مرکزی حزب از مبارزات پیگیرانه شما و خواست های عادلانه شما قویا حمایت میکند و همه

مردم آزاده را به حمایت از مبارزات شما فرامیخواند.

کمیته مرکزی حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۲۳ آذر ۱۳۹۹، ۱۳  
دسامبر ۲۰۲۰  
\*\*\*

**به فعالین جنبش علیه اعدام**

با درود به همه مردم آزاده و فعالین جنبش علیه اعدام در ایران!

جنبش علیه اعدام جنبشی قوی و گسترده در ایران است. این جنبشی است که بخش وسیعی از مردم و سازمانهای سیاسی و کارگری و دانشجویی و خانواده های دادخواه به اشکال مختلف در آن سهیم هستند. دفاع از زندگی و برقراری جامعه ای بدون از خشونت و جنایت و لغو مجازات ضد انسانی اعدام و توقف فوری اعدام ها اهداف این جنبش هستند. مصاف جنبش علیه اعدام با جمهوری اسلامی در سالهای گذشته منجر به کمپین ها بزرگی علیه اعدام شده و موفقیت هایی را نصیب خود ساخته است.

بویژه در ماه های اخیر جنبش علیه اعدام گامهای بزرگی به جلو برداشته است. این در واقع بخشی از پیشروی مبارزه عمومی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. یکی از نمونه های درخشان از مخالفت آشکار و علنی با اعدام، سونامی توییتری با هشتگ اعدام نکنید بدنال صدور حکم اعدام علیه سه تن از معترضین آبان ۹۸ بود. این عملاً یک همه پرسی

درباره اعدام بود که میلیونها نفر با شرکت در آن به اعدام و حکومت اعدام نه گفتند. این رویداد مورد توجه بی سابقه جهانیان قرار گرفت و تحسین همگانی از جنبش توانمند و اجتماعی علیه اعدام در ایران را برانگیخت. این پاسخ محکم مردمی بود که به حکومت نشان دادند نه فقط از معترضین اعتراضات آبان ۹۸ قاطعانه به دفاع برمی خیزند بلکه بر تداوم این جنبش تا سرنگونی جمهوری اسلامی اصرار دارند. در اثر این همایش میلیونی و همچنین دهها میتینگ اعتراضی که در خارج کشور برگزار شد مردم ضمن افشای جنایت بی شمار رژیم موفق شدند که از اعدام هشت تن از معترضین آبان ۹۸ و دی ماه ۹۶ جلوگیری کنند. حتی آنجا که جمهوری اسلامی به اعدام بی رحمانه نوید افکاری دست زد با واکنش تند اعتراضی در ایران و جهان روبرو شد و مراسم بزرگداشت این ورزشکار جوان در همه جا به مانیفستی علیه اعدام و برای بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل شد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به همه مردم ایران و بویژه فعالین علیه اعدام که در اعتراض به این مجازات ضد انسانی و علیه جمهوری اسلامی وسیعاً به میدان آمدند درود می فرستد و دست همه شما را به گرمی می فشارد. ما دست در دست هم طوفان ثروت اندوزی یک اقلیت سرمایه دار. الف: معنی سرنگونی حکومت اسلامی ۱- خلع ید حاکمین کنونی از قدرت اعم از ولی فقیه، رئیس جمهور و همه مقامات دولتی ۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی

نظامی در گرو تحقق چهار رکن زیر است:

الف- نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و نهادها و قوانین اش سرنگون شود و ماشین حکومتی موجود کلاً در هم شکسته بشود.

ب- دولت بر آمده از انقلاب علیه نظام موجود بلافاصله اقداماتی را برای تحقق شعارها و خواسته های فوری توده مردم و تضمین و تثبیت پیروزی مردم عملی کند.

ج- همه شهروندان درشوراها متشکل بشوند و دخالت آزادانه و آگاهانه و

مستقیم مردم در حکومت تضمین بشود.

د- سیستم بردگی مزدی ملغی بشود. محور سیاست اقتصادی نظام آتی باید تامین رفاه و نیازهای همه مردم باشد و نه سودآوری و ثروت اندوزی یک اقلیت سرمایه دار.

الف: معنی سرنگونی حکومت اسلامی

۱- خلع ید حاکمین کنونی از قدرت اعم از ولی فقیه، رئیس جمهور و همه مقامات دولتی

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی

حکومت اعدام تبدیل خواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۲۳ آذر ۱۳۹۹، ۱۳  
دسامبر ۲۰۲۰

پیام پلنوم ۵۲ حزب  
کمونیست کارگری ایران

به مردم مبارز  
کردستان عراق

نشست کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای برگزار میشود که صدای مبارزات شما مردم شریف و انقلابی برای رهایی از دست احزاب حاکم و برای دفاع از کرامت و حقوق انسانی و برای گرفتن چند ماه حقوقهایتان خیابان ها را بلرزه درآورده است.

مبارزات کوبنده شما در شهرهای کردستان عراق ادامه مبارزات انقلابی و رادیکالی است که از اکتبر سال قبل در سراسر عراق شروع شده است.

ما همبستگی خود را با مبارزات و خواست های عادلانه شما مردم مبارز کردستان اعلام میکنیم، یاد عزیزانی که در این مبارزات جانباخته اند را گرمی میداریم و مردم ایران را به همبستگی و حمایت از مبارزات شما علیه احزاب و دار و دسته های قومی و اسلامی در کردستان عراق فرامیخوانیم.

کمیته مرکزی حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۲۲ آذر ۱۳۹۹، ۱۲  
دسامبر ۲۰۲۰

که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسنول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند. پیگرد بین المللی مقامات جنایتکار فراری حکومت.

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

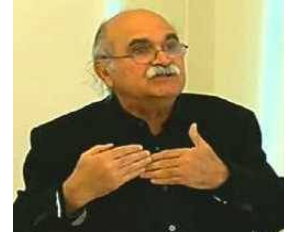
۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرایی و ایندولوژیک رژیم

## نشست فعالین یک جامعه توفانی

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در پلنوم ۵۲

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ دسامبر ۲۰۲۰



ابتدای پلنوم در سخنرانی افتتاحیه تصویری دادم از جامعه ایران و مشخصا مبارزات بسیار تعرضی و کوبنده ای که دارد به پیش میرود. از اعتصابات در هفت تپه و در صنایع نفتی و دیگر مراکز کارگری، از مبارزه عظیمی که علیه اعدام در جریان است، از مبارزه جامعه با ویروس کرونا و حکومت کرونا که همچنان ادامه دارد، از مبارزه خانواده های قربانیان ۹۸ و همچنین فاجعه شلیک به هوایمی و کلا جنبش دادخواهی از همه اعدای ما و قربانیان حکومت در چهار دهه اخیر، از جنبش رو به اوج و رو به گسترش بایکوت جهانی جمهوری اسلامی، خواست اخراجش از سازمانهای بین المللی و قطع رابطه دولتها با آن و غیره و غیره. جامعه در همه این عرصه ها میجوشد و به پیش میرود. به این هم اشاره کردم که حزب ما چه تصویری از سرنگونی دارد و چطور باید کل این سیستم مافوق مردم و قیم مردم بزیر کشیده شود و جامعه خودش دست بکار شود و آزادیهای بی قید و شرط را متحقق کند، و برابری را، و جمع کردن مذهب از دولت و قوانین و آموزش و پرورش را و غیره و غیره. و چطور میشود بالاخره با زدن به زیر بردگی مزدی کل این سیستم را زیر و رو کرد و یک جامعه مرفه و آزاد و برابر انسانی ایجاد کرد.

به نظر من این پلنوم در ادامه خودش نشان داد که نشست دست اندرکاران این مبارزه است. در عرصه های مختلف. این واقعیت در گزارشات پلنوم، در تصمیمگیریهای پلنوم، در

اسناد مصوب پلنوم، در پیامهایش و کلا در مباحثی که در این پلنوم صورت گرفت منعکس است. هرکس که به مباحثات پلنوم رجوع کند متوجه میشود که این حزبی است که در همه جهات دست اندکار مبارزه عظیمی است علیه جمهوری اسلامی و در هر عرصه ای که تعیضی هست، نابرابری هست و حقی ناقص شده است. هرجانی که بی تامینی اقتصادی و فقر و فلاکتی هست. هر جا که زور گویی هست. هر جا که مذهب زندگی مردم را به یک فاجعه تبدیل کرده. در تمامی این عرصه ها این حزب دست اندرکار مبارزه بی وقفه ای است.

جهتگیری ها و اسناد و مباحث این پلنوم چند نکته را روشن کرد و اعلام کرد و من امیدوارم این جهتگیری و نکات در ادامه فعالیتهای حزبی موثرتر و همه جانبه تر و در یک سطح اجتماعی گسترده تری تحقق پیدا کند.

نکته اول اینکه حزب ما نماینده هرکسی هست که در هر گوشه ایران علیه تعیض پیا خاسته است. این حزب نماینده هر کسی هست که میخواهد جمهوری اسلامی نباشد، این حزب نماینده هرکسی هست که برای خلاصی از زندگی چند مرتبه زیر خط فقر پیا خاسته. حزب هر کسی هست که میخواهد زن و مرد کاملا برابر باشند. حزب هر کسی هست که میخواهد جنبش آزادی زندانیان سیاسی و جنبش داخواهی به پیش برود و به پیروزی برسد. این حزب، غیره و غیره. این باید تمام شود. پیام مردم ایران به دنیا اینست که جمهوری اسلامی را برسمیت نشناسید

مذهبی، اخلاقیاتی دخالت نکند. این حزب نماینده رنگین کمانی ها و کسانی است که گرایشات جنسی مختلفی دارند، کسانی که میخواهند با هر مناسبات و سبک زندگی که دوست دارند زندگی کنند. این حزب خلاصی فرهنگی جوانان و مدنیت و مدرنیسم است. این حزب همه فعالین جنبشها و اعتراضات اجتماعی است. پلنوم در اسناد مصوبش نشان داد که حزب ما بدرست و به حق و بنا به کارنامه عملی ششماهه اخیرش که در این پلنوم گزارش شد، این جایگاه را دارد که مبارزه علیه اعدام، مبارزه علیه فقر، مبارزه علیه نپرداختن دستمزدها و بیحقوقی طبقه کارگر، مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و در یک کلام مبارزه برای آزادی و برابری و رفاه را نمایندگی کند و به پیروزی رهنمون شود. تمام مباحث این پلنوم نشان میداد جامعه ای که امروز در تمامی این عرصه ها و برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی پیا خاسته، سخنگو دارد، نماینده دارد، سازماندهنده دارد، برنامه ریز دارد، کمپینر و پلانفرم دارد. حزبی را دارد که راه باز میکند برای آنکه جامعه هرچه عمیقتر و هر چه انسانی تر و هر چه ریشه ای تر اعتراض و "نه" خودش و نخواستن خودش را علیه جمهوری اسلامی و علیه این وضعیت اعلام کند.

آخرین نمونه ای که در این پلنوم رویش صحبت شد بحث بایکوت جمهوری اسلامی بود که سندی در همین جهت پلنوم تصویب کرد. مدتهاست مردم ایران میگویند این حکومت ما را نمایندگی نمیکند. بخش اعظم جامعه ایران امروز حکومت را قاتل خودش میدانند نه نماینده خودش. ولی دنیا این را نمی بیند. دولتها با جمهوری اسلامی روابط سیاسی و دیپلماتیک دارند، رژیم در سازمان ملل نماینده دارد، در مسابقات ورزشی و فستیوالهای جهانی هنری و فرهنگی شرکت میکنند، و غیره و غیره. این باید تمام شود. پیام مردم ایران به دنیا اینست که جمهوری اسلامی را برسمیت نشناسید

و صدای این پیام، بلندگوی این پیام، تریبون این پیام حزب کونیست کارگری است. حزبی که منتهای طولانی است این پرچم را بلند کرده است و امروز خوشبختانه اعتراضات و مبارزات مردم بجائی رسیده است که این صدا دیگر فقط از جانب حزب مطرح نمیشود و نهادهای کارگری و دانشجویی و مدافعین حقوق کودک دارند در بیانیه هایشان این را مطرح میکنند. پتیشن و طوماری که حول بایکوت جمهوری اسلامی منتشر کرده ایم حدود ۸۰۰ امضا جمع کرده است. بخش زیادی از این امضاها فعالین از ایران هستند. دارند به این جنبش میپیوندند.

این یک نمونه ای هست که چطور ما راه باز میکنیم برای آنکه جامعه اعتراض را دیکال خودش را با توسل به پلاتفرمی که ما آماده کرده ایم و زمینه ای که ایجاد کرده ایم ابراز کند.

همین طور است در مورد اعتصابات کارگری و اینکه چطور میتواند به اعتصابات سراسری منجر بشود. در این پلنوم در این مورد هم سندی داشتیم و پیامی داشتیم در فراخواندن جامعه به حمایت همه جانبه از کارگران هفت تپه. کارگران هفت تپه امروز محور و پرچمدار و در صف مقدم جنبش کارگری هستند نه فقط برای رسیدن به مطالبات خودشان بلکه در بجالش کشیدن کل فساد موجود که به اسم خصوصی سازی کارخانه ها در جامعه بیداد میکند. مقابله با خصوصی سازیها که در اعتصاب هفت تپه مطرح میشود. و علیه پیمانکارها که خون کارگران را در شیشه کرده اند. امری که اعتصاب کارگران نفت مطرح میکند. باید مبارزات و اعتصابات کارگری سراسری بشود و همگانی بشود تا بتواند حکومت را بزیر بکشد. ما مدتهاست این پرچم را بلند کرده ایم. و جنبش کارگری دارد در این جهت به پیش میرود.

جنبش کارگری خواهان اداره شورائی است و حزب ما در تمام مدت فعالیتش بر شوراها تاکید کرده است و از شوراها دفاع کرده است و اعلام کرده شورا نه تنها

ابزار کارآی مبارزه بلکه ابزار اداره جامعه بوسیله خود کارگران و خود توده مردم است و این شعار از هفت تپه به شکل اداره شورائی سر بلند میکنند.

این حزب، حزب راه باز کردن برای مردم است و حزب ابزار دادن به مردم است. حزب بلندگو و پلانفرم و تریبون دادن به مردم است برای اینکه پیش بیایند و مبارزه شان را هر چه عمیقتر و ریشه ای تر، و در نتیجه هرچه موثرتر و هر چه نزدیکتر به پیروزی و هر چه نزدیکتر به تحقق خواستههایشان، بتوانند به پیش ببرند.

این پلنوم فقط نشستی برای اعلام سیاستها و اعلام موضعها نبود، بلکه نشست دست اندرکارانی بود که مدتهاست در این مسیر حرکت میکنند و اکنون نشستی دارند که ببینند دستاوردهای تا امروزیشان کدامست، و چگونه با اتکا به آنها گامهای بلندتری به پیش بردارند. ما این دستاوردها را جمع بندی کردیم، و تعیین کردیم که گامهای بعدی چیست. تاکید کردیم بر جهتی که در پیش گرفته ایم، تاکید کردیم بر موفقیتهایی که تا امروز داشته ایم و روشن کردیم برای آنکه هر چه موثر تر و پیگیر تر به پیش برویم بر چه ضعفهایی باید غلبه کردیم و چه قدمهایی باید بجلو برداریم. این گردهمایی فعالین یک جامعه توفانی است. این نشست دست اندرکاران مبارزات مردمی است که از بختک جمهوری اسلامی به فغان آمده اند، نمیتوانند تحمل کنند و میخواهند این عدم تحمل و این خشم خودشان را سازمان بدهند و تبدیل کنند به یک نیروی کوبنده، موثر، سازمانیافته برای اینکه بززند زیر این بساط، جمهوری اسلامی را بزیر بکشند و یک جامعه آزاد و برابر و مرفه انسانی ایجاد کنند.

حزب ما امکانات پیشروی و پیروزی این مبارزات را فراهم میکند. در نیمه راه هستیم، دستاوردهایمان را جمع بندی میکنیم، ضعفهایمان را بر طرف میکنیم، و گام بعدی را به پیش برمیذاریم.\*

برای همه شما سلامتی و پیشروی و پیروزی آرزو میکنم.



# حکومت اسلامی سرنگون سرنگون

## مبارزات مردم ایران در جهان...

در آنجا چهار رکن را اعلام کردیم. من میخوام با اشاره به این چهار رکن این را خطاب به مردم ایران بگویم که ما چه تصویری از سرنگونی حکومت داریم.

اولاً ما مدام روی نیروی انقلاب تاکید کرده ایم. انقلابی در ایران در راه است، شروع شده است. اولین موجهایش را ما دیده ایم و نفس همین حرکت باعث شده است که آن چشم اندازها، سناریوسازیهایی که قرار است رژیم چنج شود، قرار است رفراندوم شود، قرار است قانون اساسی تصحیح شود، قرار است بحران آفرینی در مرزها شود، قرار است جنگ شود، قرار است آمریکا فلانی را با

هوایما به ایران بفرستد، اینها تمام شد. هر کسی که اصلاح طلب بود، سازشکار بود و غیره دیگر به نفعش نیست که روی آن خط بایستد. همه مجبورند خودشان را سازش ناپذیر و حکومت را اصلاح ناپذیر اعلام کنند! چرا؟ به خاطر خیابان، به خاطر اعتصاباتمانند هفت تپه و صنعت نفت، به خاطر مادران جانبختگان، به خاطر جنبش علیه اعدام. دیگر هیچ کسی جرئت نمیکند فکر کند که غیر از انقلاب چیز دیگری در افق ایران است. حتی خود حکومتها از انفجار و توفان و از این حرفها صحبت میکنند. این حزب حزب توفان است، این حزب حزب انقلاب است، این حزب حزب بزیر کشیدن و درهم کوبیدن بساط حکومت به قدرت انقلاب مردم است.

نکته دیگر اینکه خواستههای اساسی ای هست که دولت برآمده از انقلاب باید برآورده کند، مانند آزادیهای بی قید و شرط، مانند جمع کردن مذهب از دولت و قوانین و آموزش و پرورش از همان روز اولی که این حکومت بیفتد، مانند

میگویند، باید جهان را به اینجا کشاند که این کافی نیست. اگر اینها جنایتکار علیه بشریت هستند پس دیگر دولت نیستند! پس باید به رسمیت شان نشناسید. اینقدر با آنها عکس نگیرید، مقاماتشان را راه ندهید، سفارتخانه هایشان را ببندید، از سازمان جهانی کار اخراجشان کنید، از سازمان ملل اخراجشان کنید، در فستیوالهای هنری و ورزشی و فرهنگی دنیا مانند جشنواره ای که در کان هست یا نمایشگاه کتاب فرانکفورت راهش ندهید، این حکومت را طرد کنید. همان کاری را بکنید که جهان با آفریقای جنوبی کرد. اگر این کار را بکنید شرایط برای مردم ایران بسیار مساعد میشود.

جنبش عظیمی فی الحال در ایران جریان دارد. مردم منتظر عکس العمل دولتها ننشسته اند، دارند کار خودشان را میکنند ولی انتظاری که از دولتها دارند این است که این حکومت قاتل را تحریم کنند و از نظر سیاسی و ورزشی و فرهنگی به رسمیت نشناسند. آن وقت مطمئن باشید که مردم ایران ضربه نهایی را بسیار سریع تر به این جانپان خواهند زد و آنها را به زیر خواهند کشید. این گفتمان و این حرکت مال امروز است و دارد وسعت میگیرد و گسترش پیدا میکند.

بگذارید که من در بخش آخر صحبتهایم به موقعیت حزب هم اشاره کنم. این شرایط ایران و وضعیت سیاسی بود. ولی حزب کمونیست کارگری در کجای این تصویر قرار دارد؟ حزب ما چه منظوری دارد وقتی میگوید سرنگون باد. چه تصویری از سرنگونی دارد؟

ما منشور انقلاب و رهایی جامعه را، فکر میکنم که در حدود دو سال و خرده ای قبل، بعد از خیزش ۹۶، منتشر کردیم و

هر کس دیگری تشخیص میدهند، امور را خود اینها اداره کنند. اداره شورایی! چرا ما باید قدرت بالا سر داشته باشیم؟ قیم نمیخواهیم. مردم مستقیماً باید در اداره امور شرکت کنند و این رکن سوم منشور ماست.

وبالآخره، رکن چهارم این است که بردگی مزدی باید بریفتد. ته قضیه اینجاست. اگر شما جامعه ای دارید که در آن جمعی هشت ساعت کار میکنند، تا آخر عمرش باید کار کند، تا هفتاد هشتاد سالگی، و آخرش هم هشتتیش گروی نهش باشد و از آن طرف عده ای داریم که دست به سپاه و سفید نمیزند و پولشان از پارو بالا میروند، که در زمان شاه هزار فامیل بودند و امروز آقازاده ها هستند، بساط اینها باید جمع شود. این "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی" ای که مردم میگویند فریاد دیگری است برای اینکه بگویند ما بردگی مزدی را نمیخواهیم، ما ریاضتکشی اقتصادی نمیخواهیم، ما نمیخواهیم رقابت بین سرمایه ها دستمزد ما را به زیر خط فقر براند. ما میخواهیم که اصلاً سرمایه دار و کارگر و استثماری در بین نباشد، میخواهیم همه کارکنند و همه از نعمتها برخوردار باشند. ما نمیخواهیم که محور اقتصاد جامعه سودآوری باشد، میخواهیم محور اقتصاد جامعه تأمین رفاه همگان

به رسمیت شناختن برابری کامل زن و مرد، مانند محاکمه تمام جانبانی که در این چهل سال در حکومت بوده اند و امر یا مسئول یا فرمانده قتلها و جنایتها بوده اند، عاملین قتلهای زنجیره ای، کشتار آبان ماه، کشتارهای دهه شصت، اعدامهای هزاران نفره، اینها همه باید محاکمه بشوند. محاکمه این جانبان از فوری ترین اقدامات حکومت برآمده از انقلاب است.

رکن مهم دیگر اینستکه آن حکومتی که روی کار میاید باید حکومت مردم باشد. مردم اعلام کرده اند که قیم نمیخواهند، آقا بالا سر نمیخواهند، ماشین حکومتی بالای سرشان نمیخواهند، مردم میخوانند خودشان به میدان بیایند، همانطور که علیه کرونا به میدان آمدند، همانطور که برای مقابله با سیل در خوزستان به میدان آمده اند. چونکه در مقابله با هر فاجعه اجتماعی اعتمادی به این حکومت ندارند. این حکومت جزو جبهه سیل و توفان و زلزله و کرونا است، نه جزو جبهه مردم. مردم بلند میشوند و علیه تمام اینها سازمان پیدا میکنند. آن دولت برآمده از انقلاب باید این را به رسمیت بشناسد که این نشان داده اند که (به قول کارگران هفت تپه) تخصص بیشتری دارند، اراده بیشتری دارند، منافع خودشان را خیلی بهتر از

باشد. این یعنی سوسیالیسم. این یعنی حزب سوسیالیستی ای که این پرچم را بلند کرده است.

این چهار رکن را ما به جامعه اعلام کردیم و من از اینجا خطاب به مردم ایران میگویم که انقلاب شما، اعتراض شما، در صدر جنبشها و اعتراضات جهانی قرار دارد. مبارزه شما علیه اعدام بی همتاست.

سراسری کارگران در تاریخ معاصر ایران بی همتاست. خواست اداره شورایی اولین باری است که در زیر سلطه یک حکومت قرون وسطایی اینطور فریاد زده میشود. تصور و توقعی که جامعه ایران از سکولاریسم و جمع کردن مذهب از جامعه دارد در جهان بی همتاست. تصویر و تصویری که در دفاع از حقوق کودک دارد، که یک عرصه مهم اعتراض در ایران است، در جهان بی همتاست. تصویری که از آزادی زن و موقعیت زن در جامعه دارد بی همتاست. برای اینکه این تصاویر بی همتا بتواند به قانون اداره جامعه تبدیل شود سوسیالیسم را میخواهیم و حزب ما حزبی است که با این پرچم در جلوی این جنبش حرکت میکند.\*

همه مردم را به پیوستن به صفوف حزب کمونیست کارگری ایران فرامیخوانم. منتشر کنم.



"مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است." منصور حکمت

## گزارش هیئت اجرایی حزب به پانوم ۵۲ ...

سازمانده در این دوره در استانهای مختلف و نیز در دانشگاهها و مراکز نفتی گسترش داشته است. بدلیل گسترش ارتباطات و فعالیت حزب در خوزستان و موقعیت سیاسی اعتراضی این استان، کمیته سازمانده واحد خوزستان کمیته را ایجاد کرد تا با تمرکز بیشتری روی این منطقه کار شود.

سازمان جوانان نیز جای پای خود را در دانشگاه ها محکم تر کرده و خط حزب را در میان فعالین دانشگاه های مهمی تقویت کرده است. خط سرنگونی طلبی و کمونیسم سیاسی پیشروی برجسته ای در شش ماه گذشته داشته و فعالین بیشتری به این خط پیوسته اند. کشمکش فکری سیاسی همچنان در دانشگاه ها داغ است و حزب یک پای مهم این جدال است. فعالیت سازمان جوانان در دانشگاه ها و در سطح شهرها گسترش یافته است. سازمان جوانان در عرصه های

دانشگاه، جنبش نوین رهایی زن و جنبش دفاع از حقوق رنگین کمانی ها نقش قابل ملاحظه ای ایفا میکند و مکانیسم هایی را برای دخالت در اعتراضات ایجاد کرده که در خیزش آبان و دی سال قبل نقش موثری ایفا کردند. یک نقطه قوت سازمان جوانان ابعاد وسیع فعالیت در مدياي اجتماعي است که به یک مرجع شناخته شده و معتبر تبدیل شده است. کنفرانس های تلویزیونی در برنامه های سازمان جوانان و انقلاب زنانه در این دوره یکی از موفق ترین اقدامات فعالیت سازمان جوانان بوده است. مجموعه متنوع و بسپار حجیم فعالیت های سازمان جوانان توسط تیم نسبتا بزرگ و منسجمی از فعالین سازمان جوانان که در رهبری این سازمان حضور دارند استوار است.

کمیته کردستان در این دوره تلاش زیادی برای دخالت در حضور در اعتراضات در شهرهای کردستان کرد و طبق گزارش کمیته در برخی اعتراضات در شهرهای میروان و سنندج نقش داشته و تماس با فعالین کارگری

سازمانده در این دوره در استانهای مختلف و نیز در دانشگاهها و مراکز نفتی گسترش داشته است. بدلیل گسترش ارتباطات و فعالیت حزب در خوزستان و موقعیت سیاسی اعتراضی این استان، کمیته سازمانده واحد خوزستان کمیته را ایجاد کرد تا با تمرکز بیشتری روی این منطقه کار شود.

سرکوبگری های حکومت بر روی فعالیت اعضا و کادرهای حزب از جمله برخی دستگیریها و فشارهای امنیتی یک عامل کند کننده در برخی فعالیت ها بوده است. در کنار آن فقر اقتصادی بویژه در دوره بحران کرونا فشار بر فعالین را هم تشدید کرده است. علاوه بر این تعطیل دانشگاهها بدلیل کرونا تاثیر مستقیمی در کاهش تحرک دانشجویان داشته است.

در خارج کشور در عرصه مبارزه علیه حضور مقامات جمهوری اسلامی، بایکوت سیاسی حکومت و علیه اسلام سیاسی بویژه در آلمان، حزب نقش فعال و پیشتاز خود را همچنان حفظ کرد. در سطح آکسیونی نیز علیرغم محدودیت های ناشی از کرونا و کاهش چشمگیر فعالیت آکسیونی توسط جریانات مختلف ولی حزب تحرک بالایی داشت، فعال ترین نیروی سیاسی بود، رویکردی اجتماعی تر نسبت به گذشته داشت و تفاوت و موقعیتش با جریانات دیگر در این دوره بیشتر واضح شد. تعدادی از فعالین حزب در موقعیت بهتری برای بسیج دیگران قرار گرفته و نفوذ و اتوریته بیشتری پیدا کرده اند. تلاش تشکیلات خارج این است که در تعدادی از شهرهای کلیدی، تشکیلات حزب هژمونی کاملی بر فضای سیاسی و تحرک اعتراضی داشته باشد و موثرترین نیروی سیاسی برای سازماندهی مخالفین جمهوری اسلامی باشد. در همین راستا تلگرام برخی واحدها برای دسترسی بیشتر به ایرانیان مقیم در آن شهرها راه افتاده است.

خط بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی و اخراج آن از نهادهای بین المللی، نظامی، ورزشی و هنری در این دوره جهشی قابل ملاحظه داشت. سیاست دخالت نظامی و رژیم چنج پوچی و عدم حقانیتش را نشان داده بود. اما تحریم سیاسی که اساسا از جانب حزب مطرح میشد، طرفداران بیشتری پیدا کرد و خصلت نمای این دوره بود. در داخل کشور نیز تعدادی از تشکل ها در بیانیه ای بر ضرورت بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی تاکید کردند که حائز اهمیت است.

### کانال جدید

یکی از پیشروی های محسوس حزب در این دوره روی آوری بیشتر کانال جدید به مصاحبه با فعالین اپوزیسیون خارج از حزب است. این رویکرد را میتوان در میزگردهای کانال جدید، در کنفرانس های حرفه ای که سازمان جوانان در ماههای اخیر داشته است و همینطور در سایر برنامه های کانال جدید مشاهده کرد. در این دوره حضور تعدادی از هنرمندان، ورزشکاران، خانواده های جانبازان، رنگین کمانان، فعالین حقوق زن و چهره های اپوزیسیون در کانال جدید ابعاد رو به رشدی داشت و این یک پیشروی سیاسی برای حزب است که هم اعتماد بنفس و موقعیت حزب را نشان میدهد، هم اتوریته و جایگاه حزب را و هم توجه به کانال جدید و بینندگانش را بالا میبرد. اکثر قریب به اتفاق کسانی که برای شرکت در برنامه ها از آنها دعوت شده استقبال کرده اند. این رویکرد تصویر تلویزیون بعنوان یک کانال اجتماعی را تقویت کرده و لازم است با سازماندهی تعداد بیشتری از رفقا در برنامه های کانال جدید و نیز توسط نهادهای مختلف دامنه وسیعتری پیدا کند. چندین نفر از رفقا از جمله اعضای جوان حزب در این دوره همکار کانال جدید شدند اما تعداد خیلی بیشتری برای برنامه های متنوع کانال جدید حیاتی است.

به برنامه موفق «با هم» در کانال جدید هم لازم است اشاره شود. برنامه «با هم» عملا به یک نهاد در زمینه فعالیت در افغانستان و مهاجرین افغانی در ایران تبدیل شده و با جلب مخاطب بیشتر از طیفهای مختلف اجتماعی، جایگاه معتبری کسب کرده است. برنامه با هم عملا وارد فعالیت میدانی شده و در کمپین های مختلفی که در افغانستان سازمان داده میشود دخالت کرده و روابط خود را با فعالین این عرصه ها گسترش داده است. این موجب جلب توجه الیت سیاسی و فعالین اجتماعی، فعالین حقوق زن، ورزشکاران و پناهندگان و هنرمندان بیشتری از افغانستان به

برنامه باهم شده است.

### نقش فعالین حزب در نهاد های مورد حمایت حزب

#### فعالیت مینا احدی

ما در آلمان و در اروپا کلا یک ترند هستیم که با افزایش جنبش اسلامی اظهار نظر در مورد مسائل مربوط به این عرصه و تشکیل سازمانهای متعدد، کار آگاهگرانه کرده ایم و الان در دنیا شناخته شده و موثر هستیم. در آلمان، حرفهای ما و نقد ما با گذشت زمان و دیدن وقایع متعدد بیشتر مورد توجه قرار گرفته و الان شیب زمین به نفع ما عوض شده است. در این دوره فقط افشاگری نکردیم، بلکه فشار آوردیم به دولت و شکایت کردیم و میتینگهایی گذاشتیم با خواست بساط اینها را جمع کنید.

شکایات در مورد مرکز اسلامی هامبورگ بخاطر مراسم برای قاسم سلیمانی، توجه رسانه ها به کل فعالیتهای ایرانیان و ما برای اینکه مرکز اسلامی هامبورگ بسته شود و قرارداد سنای هامبورگ با سازمانهای اسلامی لغو بشود از جمله فعالیت هایی بود که هرچند هنوز به این هدف نرسیده ولی دهها نماینده پارلمان از احزاب متنوع (صرفنظر از حزب دست راستی) از این خواست ما دفاع میکنند. حرکت اعتراضی دیگر تلاش برای بستن مسجد جمهوری اسلامی است که میتینگ های مداومی در آنجا سازمان یافته است. یک حرکت دیگر موفق ما مقابله با ایجاد مرکز مذاهب توسط وزارت خارجه بود. طومار ما را حدود نه هزار نفر ظرف سه روز امضا کردند و دو نامه سرگشاده مینا به وزیر که به عقب نشینی فوری آنها منجر شد و از مینا دعوت کردند که با مسئول پروژه در محل وزارت خارجه آلمان ملاقات کند. فعلا پروژه دولت فریز شده است.

تقیب مقامات حکومت اسلامی در آلمان هم فعالیت دیگری بود که با کمپین «تردست» و «گفتمان» در آنجا میکشند و در اینجا تفریح میکنند «رو آمد».

به فعالیت فعالین حزب

از صفحه ۱۴

## گزارش هیئت اجرایی حزب به پلنوم ۵۲...

در اکس مسلم اسکاندیناوی نیز باید اشاره کرد که از طریق دو برنامه هفتگی لایو فعالیت میکند. افرادی که در این برنامه ها شرکت میکنند، عموماً از کادرهای حزب، و چهره های سرشناس رسانه ای هستند. این برنامه ها در مدیای اجتماعی بیننده خوبی داشته است.

### فعالیت برای آزادی زندانیان سیاسی

در این دوره بسیار وسیع و موفق بود. فعالین حزب فعالیت های قابل توجه و موفقی را در این دوره به پیش بردند. خبررسانی بهتر از زندان و دستگیر شدگان، فراهم آوردن امکان مصاحبه با خانواده ها، دخیل بودن در بیانیه های فعالین و خانواده ها، پیامهایی از طرف خانواده ها و فعالین کارگری به مناسبت بیست و دومین سالروز اعتراضات ابانماه و تحکیم ارتباط با نهادهای بین المللی از اقدامات قابل توجه در این دوره بوده است. برگزاری دو مراسم آنلاین بسیار موفق، مراسم جهانی زندانیان سیاسی و مراسم سالروز اعتراضات ابانماه با حضور تعدادی از چهره های شناخته شده از کشورهای مختلف در همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی، حضور خانواده زندانیان سیاسی و دادخواه و فعالین کارگری از ایران از نقاط قوت و برجسته این برنامه ها بود.

فعالیت علیه اعدام جنبش علیه اعدام قدم های بسیار مهمی در این دوره به جلو برداشت و ابعادی اجتماعی تری بخود گرفت. هشتگ اعدام نکنید علیه احکام اعدام جوانان خیزش آبان ۱۱ میلیون بار دیده شد. بدنبال آن اعدام نوید افکاری با موجی از اعتراض در داخل و خارج کشور مواجه شد. برگزاری مراسم و تجمع در مقابل

میدهد که فعالیت متمرکز و مهمی در سوئد و همچنین در آلمان، استرالیا و کانادا انجام میشود. دامنه فعالیت در ترکیه در این دوره بسیار وسیعتر شده است. دهها نفر از فعالین پناهندگی شروع به همکاری کرده اند. برنامه های تلویزیونی، مشاوره به متقاضیان پناهندگی، و حضور در رسانه ها از جمله اقدامات فعالین حزب در این عرصه است.

### در زمینه دفاع از حقوق کودکان، فعالیت متمرکزی

روی مدارس، اعدام کودکان، طرح های ضد کودک بهزیستی و کودکان معلول داشته و بر فرهنگ انسانی مردم در رفتار با کودکان و جدال میان این فرهنگ با سنتها و رفتارهای عقب مانده انجام شده است. لازم به توضیح است که دهها کانال تلگرامی و تعداد بیشماری ان جی او های دفاع از کودک و سازمان های مردم نهاد (سمن ها) شکل گرفته است که نشانه پیشروی فرهنگ مدرن نسبت به کودکان است و کودکان مقدمند تلاش میکند فرهنگ مدرن و انسانی در برخورد به کودکان را گسترش دهد و تحرک بیشتری در میان خانواده ها و فعالین برای دفاع از کودکان ایجاد کند.

### بایکوت

#### جمهوری اسلامی

در این دوره بیش از پیش مورد تمرکز حزب بوده است. به این منظور تیمی برای کار متمرکز حول این مساله سازمان داده شد. از جمله کارهای این تیم نامه هایی به برخی نهادهای بین المللی است که در چند هفته گذشته منتشر شده است. لیستی از اقدامات در دستور کار این تیم است.

### سایت ها و نشریات

حزب، انترناسیونال و کارگر کمونیست، اطلاعیه های حزب و سایت انگلیسی حزب نیز فعالیت روتین و همیشگی خود را بی وقفه به پیش برده اند و سیاست ها و جهتگیری های حزب را بطور منسجم نمایندگی

کرده اند، اعتراضات جامعه را برجسته کرده اند، پاسخ مقامات حکومت و یا مخالفین حزب را داده اند و جنبه هایی از مسائل نظری مربوط به تحولات این دوره را از طریق مقالات و مصاحبه ها پوشش داده اند. حجم ادبیات حزب به انگلیسی بهبود یافته است.

لازم به توضیح است که ۳۲۰ اطلاعیه، علاوه بر اطلاعیه های کمیته های حزبی، در این دوره منتشر شده است و همانطور که در پلنوم قبل توضیح دادم اطلاعیه های حزب صرفاً یک اعلام موضع نیست. ادامه دخالت میدانی حزب است، و یا به برنامه های تلویزیونی و یا فعالیت های دیگری منجر میشود.

### مدیای اجتماعی

در این دوره تغییرات قابل توجهی در زمینه فعالیت حزب در این عرصه ایجاد شده است. جلسات اکثر ارگانهای اصلی حزب در آفیس آنلاین و بصورت ویدیویی انجام میشود که کمک بزرگی در تمرکز و همفکری در رهبری حزب و کمیته های حزبی بوده است. و همانطور که در بخش دیگری از گزارش اشاره کردم کارزارها و برنامه های متعدد و بسیار موفقی از طریق آنلاین انجام شده است.

تلگرام و اینستاگرام حزب که از مارس فعال شده بود اکنون به یک تیم حرفه ای متکی شده و خیلی سریع به مسائل سیاسی روز و اعتراضات و اتفاقات سیاسی عکس العمل نشان میدهد و حزب را بیش از پیش در دسترس قرار داده است.

### انطباق حزب با شرایط جدید

اینجا لازم است به یک نکته مهم اشاره شود و آن انطباق خیلی سریع حزب با شرایط دوره کرونا و استفاده از برنامه های آنلاین در سازماندهی فعالیت های درونی و هم فعالیت های بیرونی بود. سازماندهی ده برنامه آنلاین رو به بیرون از موفقیت های این دوره حزب بود.

آخرین برنامه آنلاین سالروز حزب بود که برنامه متنوع و پرشوری روز ۶ دسامبر سازمان داده

شد که بسیار حرفه ای ارائه شد و فیدبک قابل توجهی از داخل ایران داشت.

### تامین مالی حزب

در شش ماه گذشته صندوق حزب علیرغم تلاش فوق العاده زیاد کمیته مالی و افزایش حق عضویت ها، ۱۲ هزار یورو کسری حساب داشته و از ذخیره ماههای آینده برداشت شده است که لازم است تلاش سازمان یافته تری برای تامین مالی حزب و از جمله جمع آوری کمک مالی کرد.

### جوانانه تر شدن حزب

در این دوره حزب گام های بیشتری در جهت ارائه یک تصویر جوان تر از حزب برداشت. این تغییر بویژه از طریق چند مجری جدید برنامه های کانال جدید و حضور فعال تر سازمان جوانان در سازماندهی فعالیت های حزب در برنامه های تلویزیونی قابل مشاهده است. جهتگیری که باید با سرعت بیشتری به پیش رود. این یک مساله حیاتی و استراتژیک برای حزب است و در عین حال یک تفاوت بارز ما با سایر سازمان های سیاسی است.

### یک جمعبندی فشرده

قبل از هرچیز جا دارد که از فعالین حزب در خارج و بویژه در داخل کشور که تحت فشارهای امنیتی شدید و اکثر با فقر و معضلات عدیده اقتصادی اما با روحیه ای مصمم و پرشور فعالیت میکنند از طرف همه شما حاضرین در نشست کمیته مرکزی قدرانی کنم.

با توجه به گزارشی که اینجا ارائه دادم و با توجه به گزارش ارگانهای مختلف که جداگانه برایتان ارسال شده است، حزب دوران بسیار پرتحرک و موفقی را در راستای تحلیل های سیاسی خود و بر اساس مدتی که اشاره شد به پیش برده است. میتوان به ضعف های حزب در این فعالیت و آن فعالیت هم اشاره کرد. عضوگیری کم علیرغم شرایط سیاسی متحول با سازماندهی خیلی کند اعضا و کادرهای حزب در مدیای اجتماعی و عرصه های

ادامه در صفحه ۱۷

# سرنگون باد جمهوری اسلامی

## معرفی قطعنامه در مورد رابطه حزب و...

این سه جنبش به احزاب و گروه‌هایی شکل داده اند و گرایش‌ها و سنت‌های را ایجاد کرده اند. آن توده عظیمی که بلند شده است هر خودش را رها کند و هر روز دارد اعتراض میکند - اعتراضی که همانقدر ابرکتیو است که ستم و تبعیض ابرکتیو است. همان اندازه مبارزه با استثمار ابرکتیو است که استثمار هست، همانقدر جنبش کمونیسم کارگری ابرکتیو و عینی است که بردگی مزدی و استثمار سرمایه داری در قرن حاضر عینی هست. این توده عظیم از احزاب و جنبش‌های طبقاتی تاثیر میپذیرد. جنبشها، هم به معنی جنبش کارگری و جنبش‌های طبقاتی و هم بمعنای جنبش‌های اعتراضی، پیشی میگیرند از احزاب و شخصیتها و چهره هائی که از آن جنبشها بر میخیزند. توده مردمی که با آمل انسانی اش بلند شده تا خود را رها کند ذهنیت و گرایشی را به خود میبذیرد که حاصل احزاب و جنبش‌های طبقاتی است. یکی خود را ناسیونالیست میدانند، یکی آزادی را با آرش کمانگیر تداعی میکند و یکی با اسپارتاکوس. یکی آزادی را با کمونارد‌های پاریس. یکی آزادی را با ژان ژاک روسو. یکی برابری را با قانون برابر توضیح میدهد و به کنوانسیون حقوق بشر رجوع میکند و یکی برابری را اقتصادی - اجتماعی و مارکسیستی تبیین میکند. این تفکرات و گفتمانها و گرایش‌ها هست ولی کسی که بلند شده و این و با آن رنگ را بخودش گرفته است و این یا آن حزب را انتخاب کرده است دردی دارد. دردش این نیست که آن طبقه بقدرت برسد، بلکه اینست که مساله اش حل بشود. در جامعه نگاه میکند ببیند چه حزبی و چه جنبشی حضور دارد و فعال است به آن دست میبرد. این بحثی است

هستیم. این را در اعتراضات خیابانی می بینیم و حتی در موضعگیریهای احزاب و نیروهای سیاسی می بینیم. همه دیگر امروز سرنگونی طلب شده اند. حزب ما از روز اول سرنگون طلب بوده ولی الان همه دم از سرنگونی میزنند. و بعد چهره ها را می بینیم. من امروز دیدم که کانون مدافعان حقوق بشر جایزه کشنگر حقوق بشر در سال ۲۰۲۰ را به جعفر عظیم زاده اهدا کرده است. میدانید که جعفر در زندان است. نمایندگان این کانون به منزل او رفته اند و جایزه را به همسرش داده اند. این کانون چپ نیست. چهره های دو خردادی در آن فعال هستند. ولی همین کانون قهرمانش را دیگر نه از جنبش ملی-مذهبی بلکه از بخش چپ و رادیکال جنبش کارگری انتخاب کرده است. چرا؟ اعتصاب هفت تپه را پشتش ببینید. اعتصاب نفت را ببینید. و فعالیت حزبی که آنها را نمایندگی کرده مثل حزب ما را پشتش ببینید.

بنابر این یک قالبندی منجمد و صلب نداریم که این چهره ها در آن منجمد شده اند و تکان نمیخورند. یک عضو این کانون مدافع حقوق بشر کسی مثل شیرین عبادی است که میدانیم استحالته چی با سابقه ای است. با این حال کانون جایزه اش را به جعفر عظیم زاده اهدا کرده است. منصور اسانلو که تمایل توده ای اش را همه میشناسیم امروز پیشینی که مینا احدی برای بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی داده است را امضا کرده است. فعالین را از سر عملکرد و اقدامشان ببینید. دردی دارند اگر یکی دو خردادی شده یکی به ناسیونالیسم پناه برده و غیره.

قطعنامه بر سر این نکته است. شما باید نماینده امر انسانی همه فعالین باشید و نماینده اقدامات انسانی همه برای تحقق امرشان. به این معنی شما نماینده توده عظیمی هستید که موتور تاریخ است. و از نظر

سیاسی جامعه باید شما را در این موقعیت ببیند. وقت کم است. همین قدر توضیح میدهم. امیدوارم در ادامه بحث بتوانیم بیشتر صحبت کنیم. خیلی ممنون.

### قطعنامه در مورد

### رابطه حزب و جنبش سرنگونی

### مصوب پلنوم ۵۲ کمیته

### مرکزی حزب کمونیست

### کارگری ایران

۲۳ آذر ۱۳۹۹، ۱۳

دسامبر ۲۰۲۰

۱- جنبش سرنگونی و جنبش‌های حق طلبانه و ضد تبعیض در ابعاد وسیع و اجتماعی در جامعه جریان دارد و فشر گسترده ای از اکتیویستها که بسیاری از آنها تعلق حزبی ندارند در نقش فعالین، سازماندهندگان و رهبران عملی این جنبش ها قدم به میدان مبارزه گذاشته اند.

۲- یک ویژگی مهم جنبش سرنگونی در ایران متعین بودن آنست. این جنبش یک جنبش توده ای و متعین است که نهادها و فعالین و چهره ها و شیوه های مبارزاتی خود را دارد. ارتباط حزب با جنبش سرنگونی اساسا از طریق فعالین و نهادهای آن برقرار میشود.

۳- حزب باید در مقابل جمهوری اسلامی کل جنبش سرنگونی را نمایندگی کند و بعنوان سخنگوی این جنبش در سطحی اجتماعی ظاهر شود. تقویت و تعمیق و ارتقای این جنبش مستلزم نمایندگی کردن کل فعالین و حرکات اعتراضی حق طلبانه و سرنگونی طلبانه در برابر جمهوری اسلامی است.

۴- جذب فعالین، و چهره های اعتراضات حق طلبانه اجتماعی به اهداف و سیاستهای حزبی لزوما در گرو روی ری آنها به جهان بینی و یا به جنبش کمونیستی نیست، بلکه مستلزم نمایندگی شدن امر آنها بوسیله حزب و حضور فعال حزب در جنبش‌هایی است که برای حل مسائل بخشهای مختلف جامعه در جریان است. همه بخشهای معترض جامعه باید ببینند حزب حامی و رهبر آنها در مبارزه برای امر بر حق و انسانی خود آنها است.

۵- جنبش سرنگونی هر روز گسترده تر و رادیکال

تر میشود و هر روز فعالین بیشتری، با دیدگاهها و گرایش‌ها سیاسی مختلف، به آن می پیوندند. معیار حزب در برخورد به فعالین جنبش سرنگونی گذشته و سابقه این افراد و یا مرزبندی و خط کشی های ایدئولوژیک با دیدگاهها و نظرات آنان نیست بلکه مضمون و شیوه حرکتها و اقدامات اعتراضی آنها علیه جمهوری اسلامی است.

۶- حزب اعتراضات برحق فعالین جنبش سرنگونی و دیگر جنبش‌های حق طلبانه و هم چنین اقدامات اعتراضی چهره های ادبی و هنری و ورزشی علیه بیحقوقیها و تبعیضات و علیه جمهوری اسلامی علنا حمایت میکند و فعالیت آنها را در مدیای حزبی منعکس می نماید. هر درجه فعالیت کسانی که به صف مبارزه با جمهوری اسلامی پیوسته اند رادیکال تر و پیگیرتر باشد فعالیت آنان بیشتر مورد حمایت حزب قرار خواهد گرفت.

۷- کمونیسم کارگری گرایش معینی در جنبش چپ است اما حزب در مقابل جمهوری اسلامی و طبقه حاکمه کل جنبش چپ را نمایندگی میکند. حزب باید قاطعانه در مقابل هر تعرض و حمله به کمونیسم و سازمانها و فعالین کمونیست بایستد و هر اقدام و حرکت کمونیستها علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را مورد حمایت قرار بدهد.

۸- باید با نشان دادن خصلت انسانی و برابری طلبانه و آزادیخواهانه کمونیسم، اکتیویستها و چهره ها را هر اندازه هم که نظرا خود را کمونیست ندانند، به حزب و سیاستهای حزبی جذب کرد. در تبلیغات حزب نباید حقانیت کمونیسم فرض گرفته بشود بلکه باید عملا در فعالیت سیاسی این حقانیت را نشان داد. برای آگاهگری و ترویج کمونیستی افراد باید از پراتیک سیاسی آنها آغاز کرد.

پیروی از جهتگیری و مند فوق یک شرط لازم تبدیل حزب به یک نیروی معتبر و پرنفوذ در جامعه و نیروی رهبری کننده جنبش‌های اعتراضی و جنبش سرنگونی جاری در ایران است.\*

# آزادی برابری حکومت کارگری



از صفحه ۱۵

## گزارش هیئت اجرایی حزب به پانوم ۵۲...

دیگر، کمبود کادر در بسیاری از ارگانها و نهادها و... اما اینها مانع این نمیشود که فعالیت این دوره حزب را بسیار درخشان ارزیابی کنیم.

با اینهمه پیشروی حزب و موقعیت ویژه حزب در جنبش های اجتماعی و شناخته شدن در این عرصه ها، به این معنی نیست که حزب در صحنه سیاسی جامعه و در بعدی اجتماعی و آشکار از جانب مردم پذیرفته شده و به حزب رهبر جامعه تبدیل شده است. انقلاب و سرنگونی، علیرغم همه اهمیت حیاتی جنبش های اجتماعی و

وسیعتر به حزب در جامعه و در میان فعالین را عملی کند. اکنون جدال سیاسی گسترده ای میان جنبش های مختلف برای کسب این موقعیت در جامعه جریان دارد ولی ما در موقعیت برتری قرار داریم و سیاست ها و رویکردهای ما، موقعیت مان در جنبش های اجتماعی و حق طلبانه، داشتن یک حزب منسجم سیاسی با سیاست ها و جهتگیری های روشن، پختگی سیاسی حزب، کادرهای بانفوذ و خوشنام حزب، تشکیلات داخل و کادرهای توانای حزب در داخل، نقش رهبران خوشنام حزب، ابزارهای دسترسی حزب به جامعه، اعتمادی که بسیاری از فعالین سیاسی حتی مخالفین سیاسی

در سیاست و حاکمیت یک شرط ضروری برای رهائی جامعه از هر نوع ستم و تبعیض و بیحقوقی است. حکومت آتی باید حکومتی شورانی باشد. د: امحای سیستم بردگی

مزدی سوداندوزی و بهره کشی و بردگی مزدی با رفاه و آزادی و خوشبختی اکثریت قریب باففاق مردم در ایران و در همه جا مغایر است. رفاه توده مردم با حفظ نظام سرمایه که در ایران و همه کشورها بجز ریاضت کشی اقتصادی و گرانی و بیکاری ارمغانی برای مردم ندارد، امکان پذیر نیست. از نظر سیاسی و اجتماعی نیز بیحقوقی و بی اختیاری توده مردم از ویژگیهای ساختاری نظام سرمایه داری در همه کشورها است. مشخصا در ایران فقر و محرومیت و دیکتاتوری و توحشی که در چهار دهه گذشته جامعه را به صلابه کشیده از ملزومات حفظ سلطه سرمایه است. نباید اجازه داد این شرایط این بار تحت لوای دیگری، مثلا ملی گرایی و ناسیونالیسم بجای اسلامیسیم، ادامه پیدا کند. انسانیت و مدرنیسم و آخرین دستاوردهای تمدن بشری، و آزادی و برابری و رفاه همه شهروندان، باید در محور نظام سیاسی و اقتصادی ایران قرار بگیرد و این یعنی نظام آتی باید نظامی سوسیالیستی باشد. حزب کمونیست کارگری برای کسب قدرت

# یا سوسیالیسم یا بربریت

## یک دنیای بهتر، دنیایی فارغ از نابرابری، تبعیض و ستم ممکن است!

اپوزیسیون راست و چپ افتادن انقلاب بعنوان تنها راه سرنگونی، شرایط عمومی برای پیشروی سریعتر حزب را فراهم کرده است. و البته همه اینها در گرو عزم و اراده و آمادگی و تشخیص موقعیت ها توسط حزب است.\*

به حزب دارند و نقش برجسته و مهمی که حمید تقوایی، لیدر حزب، ایفا میکند، این مجموعه ما را در موقعیت منحصر به فردی قرار داده است. از نظر سیاسی نیز رادیکالیسم جامعه، فضای ضد مذهبی، شکست پروژه های اصلاح طلبی و پروژه های مختلف

اداره امور جامعه به پیش برده میشود. جمهوری سوسیالیستی از نظر ساختار حکومت مبتنی بر شوراهای مردم است. ما خواهان در هم کوبیدن جمهوری اسلامی و هر نوع حکومت مافوق مردم، دخالت مستقیم و مستمر همه شهروندان در حکومت، و امحای سیستم بردگی مزدی هستیم و همه نیروهای چپ و انقلابی، مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب و همه فعالین جنبش های برابری طلبانه و ضد تبعیض را به مبارزه برای تحقق مفاد این منشور و به پیوستن به صفوف حزب فرامیخوانیم.\*

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ ژوئن ۲۰۱۸

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مُراد شیخی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party Of Iran

از صفحه ۱۰

## منشور انقلاب و رهایی...

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی  
ب: اقدامات فوری دولت برآمده از انقلاب  
دولت برآمده از انقلاب بمنظور تحقق خواست های فوری مردم و جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع توطئه و هجوم دولتهای ارتجاعی دیگر علیه انقلاب مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را انتخاب کنند باید اهداف زیر را فوراً عملی کند:  
۱- آزادی فوری و بیقید و سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام  
۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان  
۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد  
۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات،